

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.349938.3677>

**Abstract**

Non-governmental organizations are legal organizations that are established by natural or legal persons and operate independently of any government. NGOs often play a key role in advocating changes in law, policy, procedure and administrative rules. In many countries, especially those with new democracies, NGOs can play an important role in educating legislators and civil servants about their responsibilities as members of a democratic government. It is very important to build the capacity of members of the legislature or parliament to carefully review proposed laws, interact with civil society, and monitor the executive branch. One of the tasks of local and international non-governmental companies in the legislative process can be to help draft a law to deal with violence against women and girls. By maintaining contact with regional and country offices, NGOs may be able to insert themselves into the lawmaking process and thereby ensure the promotion of victims' rights and needs. Non-governmental organizations can also ask for help from experts in the field of preparing the law on violence against women. Abused women need a variety of services: emergency shelter, medical care, protection, financial assistance, and counseling services. Phenomena such as violence against women still remains and does not allow them to freely enjoy their rights without fear, at home and outside. A woman's life is insecure in every way. He is subject to continuous violation of human rights. Very few women in the society react against injustice and violence. Sufficient legal punishment to prevent perpetrators of violence has not been proven. Among the various forms of violence, domestic violence is the most widespread and at the same time recognized as a violation of human rights. In this article, while presenting information about the right of the victim in determining the punishment and how to implement it, the role of non-governmental organizations in supporting the victimized women in Iran and Canada is discussed

بررسی نقش سازمان‌های مردم نهاد در فضای سیاسی و اجتماعی ایران و کانادا در خصوص حمایت از زنان  
بزه‌دیده

خاتون مهربخش چوبری<sup>1</sup>

احمد رمضانی<sup>2</sup>

شهلا معظمی<sup>3</sup>

مجتبی فرحبخش<sup>4</sup>

تاریخ دریافت: 1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

چکیده

سازمان‌های مردم نهاد، تشکیلات قانونی هستند که به واسطه اشخاص حقیقی یا حقوقی ایجاد می‌شوند و به طور مستقل از هر دولتی فعالیت می‌کنند. سازمانهای غیردولتی غالباً نقش اساسی در حمایت از تغییرات قانون، سیاست، رویه و قوانین اداری ایفا می‌کنند. در بسیاری از کشورها و به‌ویژه آنهایی که دارای دموکراسی‌های جدید هستند، سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند نقش مهمی در آموزش قانونگذاران و کارمندان در مورد مسئولیت‌های خود به عنوان اعضای یک دولت دموکراتیک ایفا کنند. ایجاد ظرفیت اعضای قوه مقننه یا مجلس برای بررسی دقیق قوانین پیشنهادی، تعامل با جامعه مدنی و نظارت بر قوه مجریه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. یکی از کارهای شرکت‌های غیردولتی محلی و بین‌المللی در روند قانونگذاری می‌تواند کمک به تهیه پیش‌نویس قانون برای مقابله با خشونت علیه زنان و دختران باشد. با حفظ ارتباط با دفاتر منطقه‌ای و کشوری، سازمان‌های غیردولتی ممکن است بتوانند خود را وارد روند تدوین قانون کنند و از این طریق از ارتقاء حقوق و نیازهای قربانیان اطمینان حاصل کنند. سازمان‌های مردم نهاد همچنین می‌توانند از متخصصان در زمینه تهیه قانون خشونت علیه زنان کمک بخواهند. زنان مورد آزار و اذیت نیاز به خدمات متنوعی دارند: پناهگاه اضطراری، مراقبت‌های پزشکی، محافظت، کمک‌های مالی و خدمات مشاوره‌ای. پدیده‌ای مانند خشونت علیه زنان همچنان باقی مانده است و به آنها اجازه نمی‌دهد که بدون ترس، در خانه و خارج از آن، از حقوق خود آزادانه بهره‌مند شوند. زندگی زن از هر نظر ناامن است. وی در معرض نقض مداوم حقوق بشر است. تعداد بسیار کمی از زنان جامعه در برابر بی‌عدالتی و خشونت واکنش نشان می‌دهند. کافی بودن مجازات قانونی برای جلوگیری از عاملان ارتکاب خشونت، اثبات نشده است. در میان اشکال مختلف خشونت، خشونت خانگی گسترده‌تر و در عین حال به عنوان نقض حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. در این نوشتار ضمن ارائه مطالبی در خصوص حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن، به نقش سازمان‌های مردم نهاد در حمایت از زنان بزه‌دیده در ایران و کانادا پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ایران، کانادا، زنان بزه‌دیده، سازمان‌های مردم نهاد

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق کیفری، دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، تهران، ایران.

[kh.mehrbakhsh@gmail.com](mailto:kh.mehrbakhsh@gmail.com)

<sup>2</sup> استادیار گروه حقوق کیفری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران، گروه حقوق واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

[ramezani.amd@gmail.com](mailto:ramezani.amd@gmail.com)

(نویسنده مسئول)

<sup>3</sup> دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استاد دانشگاه تهران، گروه حقوق

[Smoazamo@it.ac.ir](mailto:Smoazamo@it.ac.ir)

<sup>4</sup> دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، استادیار دانشگاه شاهد، گروه حقوق.

## مقدمه

خشونت علیه زنان نقض عزت، امنیت و حقوق بشر است. این موضوع، مشکل بسیار بزرگی است، به ویژه خشونت خانگی، خشونت علیه زنان در شرایط درگیری و علیه قربانیان قاچاق انسان. با این حال، اغلب به عنوان یک موضوع خصوصی به آن نگاه می‌شود. این یک جرم است و دولت وظیفه دارد از قربانیان محافظت کند. بسته به هر جامعه، ممکن است خدمات و اقدامات دیگری توسط سازمان‌های مردم نهاد، جامعه مدنی، آژانس‌های زنان و پناهگاه‌ها و گروه‌های مذهبی یا فرهنگی ارائه شود. از پلیس خواسته می‌شود تا با چنین خدمات و ارائه‌دهندگان و چگونگی دستیابی به آنها آشنا شوند. با این حال، پلیس تنها بخشی از یک نظام بسیار بزرگتر است. با مشارکت هماهنگ و مؤثر دادگاه‌ها، زندان‌ها، جوامع، سازمان‌های غیردولتی (سازمان‌های مردم نهاد) و جامعه مدنی می‌توان از زنان در برابر خشونت محافظت کرد.

سازمان‌های غیردولتی (NGO) یک گروه غیرانتفاعی هستند که مستقل از هر دولتی فعالیت می‌کنند. سازمان‌های مردمی، که گاهی جوامع مدنی نیز نامیده می‌شوند، در سطوح اجتماعی، ملی و بین‌المللی سازماندهی می‌شوند تا در خدمت یک هدف اجتماعی یا سیاسی مانند اهداف بشردوستانه یا محیط زیست باشند.

- سازمان‌های غیردولتی نقش عمده‌ای در گسترش کمک‌ها و اقدامات بشردوستانه ایفا می‌کنند.
- سازمان‌های غیردولتی بنا به تعریف غیرانتفاعی هستند، اما ممکن است سالانه میلیون‌ها یا میلیاردها دلار بودجه داشته باشند.
- به این ترتیب، سازمان‌های غیردولتی به منابع مالی مختلفی از جمله کمک‌های مالی خصوصی و حق عضویت تا کمک‌های دولتی متکی هستند.

اگرچه سازمان‌های غیردولتی توانایی قانونی برای انعقاد معاهدات بین‌المللی ندارند، اما می‌توانند بر روابط بین‌الملل تأثیر بگذارند. آن‌ها با اعمال و عملکرد خود خلأهای دولت مدرن را در بازنمایی آرمان‌های جامعه و تأمین منافع آن پر می‌کنند. سازمان‌های مردم نهاد بازیگرانی هستند که فعالیت‌های خود را مستقل از دولت توسعه می‌دهند و می‌توانند افکار عمومی را به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهند. تعداد سازمان‌های غیردولتی هر روز افزایش می‌یابد و نمی‌توان دقیقاً گفت که تعداد آن‌ها چقدر است. رشد آن‌ها به‌ویژه از نظر بین‌المللی شدن و راه‌هایی که آن‌ها را در کنار دولت-ملت‌ها به بازیگران برجسته‌ای در تعیین استانداردهای بین‌المللی تبدیل کرده است، قابل توجه می‌باشد.<sup>1</sup> آن‌ها می‌توانند بر مذاکرات بسیاری از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در مورد موضوعات مورد توجه جهانی مانند محیط زیست، بهداشت عمومی و مسائل حقوق بشر تأثیرگذار باشند.

در واقع، هنگام مشاهده نحوه عملکرد سازمان‌های غیردولتی، مواردی هستند که نظر ما را به خود جلب می‌کنند. اولین مورد مربوط به تعریف اصلی است که دامنه‌ی فعالیت آن‌ها را جهت می‌دهد. در واقع،

<sup>1</sup> Holzschetter, Anna, "Non-Governmental Organizations", *Oxford Bibliographies*, New York/Oxford, Oxford University Press, 2015, available at: <http://www.oxfordbibliographies.com/view/document/obo-9780199791231/obo-9780199791231-0044.xml>.

دلیل اصلی وجود سازمان‌های غیردولتی، رسیدن به اهداف جمعی است، که ممکن است گهگاه از رویه‌های تدوین خط‌مشی عمومی عادی حذف شوند. در مواقعی از آن‌ها به عنوان ابزاری برای حمایت از دولت یاد می‌شود، تا آنجا که قرار است در موقعیت‌هایی که دولت ناکارآمد است، به عنوان مکمل عمل کنند.

سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی که در زمینه‌ی خشونت علیه زنان فعالیت می‌کنند عبارتند از:

- گروه برابری جنسیتی با برخورداری از وضعیت مشارکتی در شورای اروپا<sup>۱</sup>
- زنان علیه خشونت در اروپا<sup>۲</sup>
- سازمان عفو بین‌الملل<sup>۳</sup>
- لابی زنان اروپا<sup>۴</sup>

سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان بر اساس "جهت‌گیری" و "سطح همکاری" طبقه‌بندی کرد. اساس جهت‌گیری عبارتند از: جهت‌گیری خیریه؛ جهت‌گیری خدمات؛ جهت‌گیری مشارکتی و جهت‌گیری توانمندسازی. نوع سازمان‌های غیردولتی بر اساس سطح همکاری عبارتند از: سازمان جامعه محور؛ سازمان‌های مردم‌نهاد ملی و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی.

سازمان‌های غیردولتی درگیر در رهایی زنان، خدمات مختلفی را در قالب پناهگاه، کمک پزشکی، مصالحه، مشاوره، کمک‌های مالی یا کارآفرینی، کمک‌های حقوقی و سواد قانونی، و غیره به قربانیان ارائه می‌دهند. سازمان‌های مردم‌نهاد مختلف برای پایان دادن به مشکلات بی‌شماری از زنان تلاش کرده‌اند، اما به ریشه‌کن کردن مشکل تا حد انتظار کمک نکرده است. در یک شکل دموکراتیک سیاسی، به راحتی می‌توان از قانونگذاری حمایت کرد تا از هرگونه آسیب اجتماعی جلوگیری کند، اما هنوز اجرای مؤثر آن کار آسانی نیست.<sup>۵</sup>

سازمان غیردولتی مستقل از تشکیلات دولتی است و از نظر اجتماعی با هدف خدماتی وضع شده است، و می‌تواند برای رفع شکایات قربانی بهتر کار کند و در مورد موانعی که دولت با آنها روبروست به طور بی‌طرفانه پیشنهاداتی را ارائه نماید. این امر به دولت در نظارت و ارزیابی سیستم موجود کمک نموده و اصلاح قانون متناسب با آن را بررسی می‌کند. این زیرساخت‌ها به نام سازمان‌های مردم‌نهاد شانس بیشتری برای دستیابی و شناسایی عوامل اساسی و ایجادکننده خشونت‌های مبتنی بر جنسیت دارند.<sup>۶</sup>

در این نوشتار ضمن ارائه مطالبی در خصوص حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه‌ی اجرای آن، به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از زنان بزه‌دیده در ایران و کانادا پرداخته و پنج موضوع اصلی به شرح زیر بررسی شده‌اند:

- (1) مشروعیت قانونی و روند اجرای آن
- (2) تعقیب، پیگیری و مجازات
- (3) نگرش‌های موجود در مورد رفتارهای پرسنل قضایی و دادگستری
- (4) ارائه برنامه‌های آموزشی
- (5) معرفی سازمان‌های حمایتی و شرح خدمات

<sup>1</sup> [http://www.coe.int/t/e/ngo/public/groupings/Gender\\_equality/](http://www.coe.int/t/e/ngo/public/groupings/Gender_equality/)

<sup>2</sup> <http://www.wave-network.org>

<sup>3</sup> <http://web.amnesty.org/actforwomen>

<sup>4</sup> <http://www.womenlobby.org>

<sup>5</sup> ROLE OF NGOs IN PREVENTION OF DOMESTIC VIOLENCE, P. 277-295

<sup>6</sup> ROLE OF NGOs IN PREVENTION OF DOMESTIC VIOLENCE, P. 296

## 1- حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن

قربانیان جنایت و سایر افرادی که از ارتکاب جنایت آگاهی دارند، اغلب ملزم به شهادت در محاکمه یا سایر مراحل دادگاه هستند. همکاری کامل و شهادت صادقانه همه شاهدان و قربانیان برای تعیین گناه یا بی‌گناهی شخصی که متهم به ارتکاب جنایت است، ضروری است. قربانیان جنایت و شاهدان ممکن است احساس سردرگمی، سرخوردگی، ترس و خشم را تجربه کنند.

به طور کلی یک ملاحظه مهم در مورد نیازهای قربانیان این واقعیت است که نیازهای قربانیان در طول زمان تغییر می‌کند. به منظور دسترسی به عدالت و رفتار عادلانه، اعلامیه سازمان ملل متحد می‌گوید: "با قربانیان باید با شفقت و احترام به کرامت خود رفتار کرد." برای بسیاری از قربانیان، مهم است که آنها به عنوان قربانی شناخته شوند و رنج آنها در نتیجه‌ی یک اقدام اشتباه علیه آنها به رسمیت شناخته شود.

قربانیان مستلزم داشتن طیف وسیعی از نیازهای حمایتی هستند. اعلامیه سازمان ملل متحد در سال 1985 از دولت‌ها می‌خواهد برای به حداقل رساندن مزاحمت برای قربانیان در روند قضایی و اداری، و حفظ حریم خصوصی آنها در مواقع لزوم، و اطمینان از امنیت آنها، و همچنین خانواده و شهودشان از تهدید و تلافی، اقداماتی را انجام دهند.<sup>1</sup>

## 1-1- ظهور پدیده دولت و دادگری عمومی

با ظهور پدیده دولت و تدوین مجموعه قوانین، قدرت شخصی کاهش یافت و دولت‌ها جانشین بزه‌دیده شدند و اجازه دخالت بزه‌دیده در کیفر بزه‌کار داده نشد. اگر کسی شخصاً مبادرت به کیفر بزه‌کار می‌کرد، به مجازات می‌رسید. فلاسفه بعد از شکل‌گیری دولت، به نظریه‌پردازی در این خصوص پرداختند.

توماس هابز درباره کیفر می‌نویسد: «کیفر عمل ناخوشایند و زجرآوری است که مقامات عمومی بر کسی اعمال می‌کنند که مرتکب فعل یا ترک فعلی باشد که به حکم همان مقامات نقض قانون به شمار می‌رود؛ و هدف از مجازات آن است که اراده آدمیان به شیوه بهتری معطوف و متمایل به اطاعت و فرمانبرداری گردد».<sup>2</sup>

هابز به دو امر تأکید می‌کند، قانون و مقام عمومی. در سنت هابزی، بزه‌دیده نقشی در تعیین نوع آسیب و کیفر ندارد. در واقع کیفر حق بزه‌دیده نیست. بلکه حق جامعه است که توسط مقام عمومی دنبال می‌شود. هابز نتایج مهمی از تعریف خویش استنباط می‌کند که در صدر نتایج دهگانه استخراج شده توسط هابز، توجه به تفکیک انتقام خصوصی از مجازات قرار دارد: «از تعریف مجازات استنباط می‌کنیم که اولاً: انتقام‌کشی خصوصی و یا آسیب‌های ناشی از اعمال افراد خصوصی هیچ یک به معنی درست کلمه مجازات خوانده نمی‌شود، زیرا سرچشمه آن‌ها مرجع اقتدار عمومی نیست».<sup>3</sup>

کانت درباره حق مجازات در مباحث فلسفه حقوق، نسبتاً بحث مفصلی را ارائه کرده است. نکات مورد توجه کانت بر نقش حاکم در کیفر کردن است. «حق مجازات، حقی است که به موجب آن حاکم می‌تواند

<sup>1</sup> The right of victims to an adequate response to their needs, <https://www.unodc.org/e4j/en/crime-prevention-criminal-justice/module-11/key-issues/3--the-right-of-victims-to-an-adequate-response-to-their-needs.html>.

<sup>2</sup> هابز، توماس؛ لویاتان، ترجمه دکتر حسین بشیریه، چاپ چهارم، (1385)، تهران: نشر نی. ص 284-285

<sup>3</sup> همان، ص 286

اتباع خود را به ازای جرمی که مرتکب شده‌اند به درد و رنج گرفتار کند».<sup>۱</sup> بنابراین دخالت بزه‌دیده در تعیین کیفر نفی می‌شود. چون کانت که مجازات را در نتیجه خود جرم می‌داند، معتقد است: «نمی‌توان صرفاً به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق خیریه به نفع خود مجرم یا جامعه‌ی مدنی تلقی کرد، فقط باید به این دلیل آن را علیه شخص مجرم اعمال کرد که مرتکب جرم شده است».<sup>۲</sup> بدین ترتیب، در نظر گرفتن نفعی برای بزه‌دیده در نگاه کانت خروج از عدالت است. زیرا به عقیده وی، انسان نمی‌تواند وسیله اغراض دیگران واقع شود، هرچند وی، زیان‌های وارده به بزه‌دیده را نفی نمی‌کند. کانت، از طرفی هرگونه توافق، با بزهکار را برای مجازات نفی می‌کند: «هیچ‌کس مجازات نمی‌شود به این دلیل که آن را خواسته است، بلکه مجازات می‌شود به این دلیل که مرتکب یک عمل قابل مجازات شده است؛ زیرا اگر کسی عملی را که خود خواسته است، تحمل کند، این عمل مجازات نیست».<sup>۳</sup>

هگل معتقد است اگر به بزه‌دیدگان اختیار داده شود، موضوع «کین‌خواهی»<sup>۴</sup> است. اگر دولت یا به عبارتی دیگر قاضی و قانون، عهده‌دار کیفر باشند، مکافات بوده و عدالت است و مثال انتقام را از مواردی می‌داند که به افراد اختیار می‌دهد جرم را به دادگاه بکشانند یا نه.<sup>۵</sup> بنابراین، اعطای حق تصمیم‌گیری درباره نوع کیفر و نحوه اجرای آن، به بزه‌دیده از دیدگاه هگل توجیهی ندارد. هگل، وجود عنصر کین‌خواهی در کیفر را به طور کلی نفی نمی‌کند وی در این باره می‌نویسد: «کیفر هنوز، دست کم، یک عنصر کین‌خواهی را در خود دارد. کین‌خواهی شخصی با کین‌خواهی قهرمانان، شهسواران ماجراجو و مانند این‌ها، که به دوران سربرآوردن نخستین دولت‌ها تعلق دارد، متفاوت است».<sup>۶</sup> اما تفاوت در مقامی است که حق تصمیم‌گیری درباره کیفر را دارد. تصمیم‌گیری نباید به بزه‌دیده واگذار شود. قاضی بر اساس قانون، تنها کسی است که حق دارد درباره کیفر تصمیم بگیرد.

هگل در دوره‌های بعدی تدریس فلسفه حقوق، نظریه خود را کامل نموده و توضیحاتی را اضافه می‌کند، در افزوده‌های هگل بر تقریرات قبلی آمده است: «از سوی دیگر زیان‌دیده تخلف را با محدودیت‌های کمی و کیفی آن درک نمی‌کند، بلکه آن را صرفاً، تخلفی بدون صفات کمی آن می‌داند و ممکن است در تلافی‌جویی خود زیاده‌روی کند و این زیاده‌روی، به نوبه خود به تخلفی دیگر بیانجامد. بازمانده کین‌خواهی در پاره‌ای از

<sup>۱</sup> کانت، امانوئل؛ فلسفه حقوق، ترجمه دکتر منوچهر صانعی دره‌بیدی، چاپ اول، (1380)، تهران: انتشارات نقش و نگار.

ص 191

<sup>۲</sup> شیرینی، عباس؛ حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه‌ی اجرای آن، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی

شماره‌ی 81، بهار 1397. ص 82

<sup>۳</sup> کانت، امانوئل؛ همان.

<sup>۴</sup> کانت، امانوئل؛ همان. ص 196

<sup>۵</sup> انتقام، کین‌خواهی و کین‌توزی، از مباحث مورد توجه فلاسفه بوده است. ماکس شلر، (1874-1928) از فلاسفه بزرگ قرن بیستم، کتابی تحت عنوان «کین‌توزی» نوشت و این مفهوم را از دیدگاه پدیدارشناسی و جامعه‌شناسی و اخلاق دینی مورد بحث قرار داد و معیارهایی برای تمیز کین‌توزی از «قصاص»، «دفاع از خود» و تلافی ارائه نمود. برای مطالعه بیشتر رک. شلر، ماکس: کین‌توزی، ترجمه‌ی صالح نجفی و جواد گنجی، چاپ دوم، نشر ثالث، ۱۳۹۲.

<sup>۶</sup> برای مطالعه بیشتر در این باره رک.

Zaibert, Loo: Punishment and Retribution, ASHGATE, 2005, USA. P.P. 69-90.

<sup>۷</sup> هگل، گنورگ و پلهم فریدریش، عناصر فلسفه‌ی حق یا خلاصه‌ای از حقوق طبیعی و علم سیاست، همراه با متن کامل افزوده‌های

ادوار گانز بر اساس یادداشت‌های هگ. هونتهو و ک.گ. فون گریزهایم، ترجمه‌ی مهبد ایرانی طلب، چاپ اول، (1378)، تهران:

انتشارات پروین. ص 137

<sup>۸</sup> شیرینی، عباس؛ همان. ص 83

قوانین امروزی، بر جای مانده است، مانند مواردی که به افراد اختیار می‌دهد جرم را به دادگاه بکشاند یا نه.<sup>1</sup>

۲

لذا، عدالت کیفری زمانی محقق می‌شود که از انتقام‌جویی خارج شود. یعنی نقش و دخالت بزه‌دیده در فرآیند تعیین کیفر و نحوه اجرای آن کنار گذاشته شود. در این صورت کیفر چهره اخلاقی به خود می‌گیرد و از حالت کین‌خواهی و انتقام‌جویی که عدالت را برای خود می‌خواهد، خارج می‌شود. لذا هگل صریحاً اختیار بزه‌دیده در اعمال کیفر را نفی می‌کند.<sup>۳</sup>

## 2-1- اقدامات فردنگر بزه‌دیده‌شناسی قانونی

اقدامات و مطالعات فردنگر بر موارد بزه‌دیدگی زنان به صورت موردی اشاره دارد که پس از ارتکاب جرم شروع شده و به دنبال حمایت از زنان بزه‌دیده و کشف جرم از طریق خود آنان و تشخیص ادعاهای کذب زنان از واقعیات و مطالعه اظهارات بزه‌دیده و خانواده وی است.

## 3-1- به‌کارگیری پرستار قانونی

پرستاری قانونی محل تلاقی علم پزشکی و علوم جنایی است که از اواخر قرن بیستم در آمریکا مورد توجه قرار گرفت و انجمن بین‌المللی پرستاران قانونی نیز در این کشور قرار دارد. به عبارت دیگر پرستاری جنایی نقشی اساسی در پر کردن فاصله حقوق و پزشکی بازی می‌کند.<sup>۴</sup>

اغلب زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی نیازمند مراقبت‌هایی هستند که این امر توسط پرستاران جنایی صورت می‌گیرد. آنان ضمن انجام مراقبت‌های پزشکی از این دسته زنان که آسیب‌های جسمانی و روانی دیده‌اند، می‌بایست در خصوص سرزنش‌های احتمالی جامعه، خانواده و رسانه‌ها نیز زنان بزه‌دیده را حمایت کنند.<sup>۵</sup>

اصطلاح «سرزنش بزه‌دیدگان» به جریانی اشاره دارد که بزه‌دیدگان را به دلیل سرنویشت شومشان سرزنش می‌کند.<sup>۶</sup> مهم‌ترین پیامد سرزنش زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی در عدم گزارش جرایمی است که علیه آنان ارتکاب می‌یابد. بزه‌دیدگانی که واکنش‌های منفی دریافت کنند، در صورت بزه‌دیدگی احتمالی در آینده کمتر تمایل خواهند داشت تا جرایم بعدی را گزارش دهند.<sup>۷</sup> این امر می‌تواند منجر به مشکل رقم سیاه و مشخص نشدن آمار بزهکاری واقعی در زمینه جرایم جنسی علیه زنان شود.<sup>۸</sup>

<sup>1</sup> هگل، همان.

<sup>2</sup> شیرری، عباس؛ همان، ص 83-84

<sup>3</sup> شیرری، عباس؛ همان، ص 84

<sup>4</sup> شاهیده، فرهاد؛ رویکرد بزه‌دیده‌شناسی قانونی نسبت به بزه‌دیدگی جنسی زنان (با نگاهی به قوانین کیفری و رویه قضایی)، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی 18، پاییز و زمستان 1397، ص 220

<sup>5</sup> شاهیده، فرهاد؛ همان، ص 220-221

<sup>6</sup> Henning. K. and R. Holdford (2006), Minimization, Denial, and Victim Blaming by Batterer: How Much Does the Truth Matter? Criminal Justice and Behaviour, 33 (1), 110-130.

<sup>7</sup> George, W.H. and L.J, Martinez. (2002), Victim Blaming in Rape: Effect of Victims and Prepetrator Race, Type of Rape, and Participant Racism, Psychology of Women Quarterly, 26 (2), 310-314.

<sup>8</sup> نجفی ابرآبادی، علی حسین؛ «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال

سوم، شماره 9 و 10، ص 231

پرستاران قانونی دنبال جمع‌آوری ادله‌ای هستند که بتواند در کشف جرم و تعیین مرتکب آن به دستگاه عدالت کیفری کمک نماید.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، پرستاری قانونی نقشی فراتر از مراقبت‌های درمانی دارد و این قبیل از پرستاران، متخصصانی هستند که در سیستم قضایی فعالیت داشته و در جمع‌آوری مستندات و ارزیابی آن‌ها آموزش‌های لازم را دیده‌اند. از آن‌جا که یکی از راه‌های اطلاع از وقوع جرم گزارش آن توسط بزه‌دیدگان می‌باشد و تا گزارش نشود پرستاری قانونی نیز تبعاً نمی‌تواند به وظیفه خود عمل نماید، لذا باید موانع گزارش‌دهی را ابتدا شناسایی کرد. جنسیت، معذوریات موجود در روابط دوستانه و خانوادگی بزه‌دیده و بزه‌کار در شرایط اقتصادی و اجتماعی و پیش‌داوری موانع مهمی هستند که باید برداشته شوند. ایجاد حس اعتماد، آرامش و احترام به بزه‌دیدگان باعث می‌شود تا آن‌ها با شجاعت جرم ارتكابی را گزارش کنند و در این راستا پرستاران قانونی می‌توانند نقش موثری در ایجاد احساس امنیت ایفا نمایند. پس از اطلاع از وقوع جرم، پرستار قانونی باید فهرستی از اطلاعات را جمع‌آوری کند که آیا بزه‌دیده مرتکب را می‌شناسد، آیا بزه‌دیده سابقه بزه‌دیدگی و گزارش جرم را داشته است؟ آیا بزه‌دیده از مشکلات روانی رنج می‌برد؟<sup>۲</sup>

در این راستا، نهاد ملی عدالت در آمریکا در سال ۱۹۹۹ مواردی که باید از زنان بزه‌دیده تحقیق شود را ارائه نموده است:

1. تعیین ویژگی‌های فیزیکی بزه‌دیده (نژاد، وزن، قد، رنگ مو، چشم و ...).
2. تعیین محل کار و سکونت بزه‌دیده.
3. فهرستی از عادات و فعالیت‌های روزانه بزه‌دیده.
4. اسامی دوستان و خانواده بزه‌دیده.
5. سابقه پزشکی اخلاقی و اجتماعی بزه‌دیده.
6. سابقه بزه‌دیدگی بزه‌دیده.<sup>۳</sup>

پرستاران قانونی بعد از انجام اقدامات اولیه پزشکی در مورد زنان آسیب‌دیده در جرایم جنسی، با مقامات قضایی مشورت کرده و اطلاعات لازم را به آن‌ها برای پرونده کیفری ارائه می‌دهند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌باشد این است که آیا قانون‌گذار ایران نیز در قوانین کیفری به این موضوع توجه داشته است؟ با توجه به نوپا بودن این نهاد جدید از علوم پزشکی که در خدمت حقوق کیفری در آمده است در قوانین ایران چنین نهادی پیش‌بینی نشده است، اما با تدقیق در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان مواردی را مشاهده کرد که بتوان تا حدودی آن را با پرستاری قانونی تطبیق داد.

مقام قضایی در شروع تحقیقات مقدماتی و در صورتی که اظهار نظر علمی و فنی لازم باشد، طبق ماده ۱۲۸ قانون فوق‌الذکر از کارشناس رسمی مانند پزشک دعوت می‌نماید. یکی از این متخصصان می‌تواند پرستارانی باشد که دوره‌های آموزشی لازم را در زمینه معاینات پزشکی و روانشناسی و مستندسازی یافته‌های معاینه برای ارائه به مقام قضایی سپری کرده‌اند. همچنین ماده ۱۳۰ همان قانون، صحنه جرم باید توسط گروه بررسی

<sup>1</sup> Hammer, Rita. Moynihan, Barbara and Pagliano, Elaine (2011), *Forensic Nursing: a Handbook for practice*, Jones and Bartlett Publishers. P3

<sup>2</sup> شاهیده، فرهاد؛ همان. ص 221

<sup>3</sup> Petherick, Wayne A, Turvey, Brent E (2009), *Forensic Victimology*, Academic Press of Elsevier. P91

<sup>4</sup> شاهیده، فرهاد؛ همان. ص 221-222



جرم که متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و ... عنداللزوم سایر کارشناسان است، تحت نظارت مقام قضایی بررسی شود.<sup>1</sup>

از آنجا که پرستاران قانونی بدن بزه‌دیده را بخش اصلی صحنه جنایت می‌دانند از این رو در معاینات پزشکی می‌بایست تمام جزئیات را در نظر بگیرند و برای بررسی صحنه جنایت نیز می‌توانند طبق این ماده به کمک مقام قضایی بشتابند. پرستاران قانونی علاوه بر معاینه صدمات جسمانی که در صدر ماده ۱۳۶ قانون مذکور آمده است می‌توانند در آسیب‌های روانی نیز اظهار نظر کنند. البته هر چند ماده ۱۳۶ از اخذ نظر پزشکی قانونی توسط مقام قضایی سخن به میان آورده است، اما می‌توان با تربیت و آموزش پرستاران قانونی در قالب نهادی در زیرمجموعه پزشکی قانونی به کشف علمی جرایم در تحقیقات جنایی رسید.<sup>2</sup>

برای نمونه در پرونده شماره ۸۷.۵۸ خانم «ش» که دارای وضعیت روانی متزلزل بوده است در سال ۸۵ از منزل خارج شده و عده‌ای در دفعات مختلف با وی مرتکب زنا می‌شوند و در بار آخر که در باغ مخروبه‌ای این عمل با وی صورت می‌گیرد، نامبرده با شکایت از تمامی افراد مدعی تجاوز به عنف می‌شود. دادگاه کیفری استان نیز آنان را به دلیل تجاوز به عنف به اعدام محکوم می‌کند؛ اما پس از تجدیدنظرخواهی، دیوان عالی کشور استدلال کرد که همراهی خانم «ش» با مرتکبان و حضور وی در مکان‌های خلوت با آنان نشان‌دهنده رضایت و رغبت وی است. ضرورت وجود نهاد پرستاری قانونی در این خصوص این چنین توجیه می‌شود که پرستار قانونی می‌تواند ضمن مراقبت جسمی و روحی از خانم «ش»، وی را مورد کالبدشکافی روانی قرار دهد یعنی تفکرات، احساسات و رفتار او را تجزیه و تحلیل کند. همچنین، با بررسی بالینی خانم «ش» مانند ثبت رفتار بیمار (مانند گریه، لرزش و علائم ناراحتی) در هنگام معاینه و ثبت اظهارات وی<sup>3</sup>، امکان یا عدم امکان تحقق رضایت یا عدم رضایت از جانب چنین شخصی با احتمال خطای پایین قابل تشخیص بود. از طرف دیگر، پرستار قانونی می‌تواند با معاینه فیزیکی بدن بزه‌دیده خود در تجاوزات جنسی یک صحنه جرم است یافته‌های معاینه را مستند نماید تا درستی یا کذب بودن اظهارات مشخص شود.<sup>4</sup>

در این راستا، بزه‌دیده‌شناسی قانونی پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که آیا بزه‌دیده سابقه گزارش جرم نادرست را دارد؟ و آیا در هنگام عمل مجرمانه هوشیار بوده است؟ در این پرونده در صورت استفاده از آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی قانونی مانند پرستاری قانونی، شاید دیوان عالی کشور حکم دیگری مبنی بر ابرام تجاوز به عنف صادر می‌کرد.<sup>5</sup>

#### 4-1- توجه به اظهارات بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم

بیان تأثیر جرم بر بزه‌دیده (VIS) گزارشی است که بزه‌دیده و خانواده وی آسیب‌هایی که در اثر جرم تجربه کرده‌اند را اعلام می‌کنند. این فرایند ابتدا در آمریکا و کانادا شروع شده در انگلستان از آن‌ها به‌عنوان بیانیه‌های شخصی بزه‌دیدگان یاد می‌شود. این تأثیرات می‌تواند ناشی از آسیب‌های فیزیکی، روانی و مالی باشد که یا

<sup>1</sup> شاهیده، فرهاد؛ همان. ص 222

<sup>2</sup> شاهیده، فرهاد؛ همان. ص 223-222

<sup>3</sup> Lynch, Virginia A. (1995), *Clinical Forensic Nursing, Critical Care Nursing Clinics of North America*, 7.3, P500.

<sup>4</sup> Turvey, B (2008), *Criminal Profiling*, San Diego: Elsevier Science. P55

<sup>5</sup> شاهیده، فرهاد؛ همان. ص 223

مرتکب به آن اقرار کرده و یا گناهکار شناخته می‌شود.<sup>۱</sup> جنبش حمایت از بزه‌دیدگان موجب گسترش چشم‌گیر توجه به اظهارات بزه‌دیدگان شد.<sup>۲</sup> اگر اصل تناسب شدت مجازات جرم قرار است در دادگاه‌ها رعایت شود، اظهارات بزه‌دیده می‌تواند در تصمیمات قضایی تأثیرگذار باشد. شاید اظهارات بزه‌دیدگان باعث شود مقام قضایی جرم ارتكابی را شدیدتر از آنچه تصور می‌کرد ببیند و از این دیدگاه مخالف حقوق متهمان باشد، اما در مقابل ممکن است تخفیف کیفر مرتکب را نیز به همراه داشته باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که هرچند در خصوص رعایت حقوق متهم نگرانی‌هایی وجود دارد، اما این نگرانی نباید باعث شود تا اظهارات بزه‌دیدگان در فرایند رسیدگی مغفول واقع شود، زیرا در کنار تشفی خاطر بزه‌دیدگان، ارزش اطلاعاتی اظهارات آن‌ها می‌تواند در رعایت هرچه بیشتر اصل تناسب به کار برده شود.<sup>۳</sup>

اظهارات زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی که توسط آنان در فرم‌های مخصوص مکتوب شده است قبل از صدور حکم به دادگاه ارائه می‌شود. این شیوه، زنان بزه‌دیده و خانواده آنان را که معمولاً در فرآیند دادرسی فراموش شده‌اند، قادر می‌سازد تا با صراحت و به زبان خود جزئیات را شرح داده و بیان کنند که چگونه ارتکاب جرایم جنسی زندگی آنان را تحت تأثیر قرار داده است. هرچند هدف اصلی از اجرای این شیوه در دادگاه، حمایت از بزه‌دیدگان است، اما از این طریق نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرم نیز می‌تواند نمایان شود. برای نمونه زنانی که با احتیاطی در یک قرار عاشقانه بزه‌دیده مرتکب جرایم جنسی می‌شوند کمتر از زنانی که توسط شخص بیگانه، بزه‌دیده می‌شود بی‌گناه هستند. در عمل، در آمریکا و کانادا اظهارات بزه‌دیده در جرایم جنسی بیشتر برای رد دعوی بزه‌دیده به کار می‌رود تا اعتبار بخشیدن به آن. این موضوع مورد انتقادات جدی گروه‌های فمینیست قرار گرفته است.<sup>۴</sup> به هر حال مرکز توجه دادگاه به اظهارات زنان بزه‌دیده، تأثیر جرم ارتکاب‌یافته بر آن‌ها است و معمولاً شامل اطلاعاتی از قبیل مشخصات مرتکب، خسارات مالی، فیزیکی و روانی بزه‌دیده و نیازهای اولیه برای خدمات پزشکی و روانشناسی آنان می‌باشد.<sup>۵</sup>

خانواده زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی که بزه‌دیده غیرمستقیم جرم هستند نیز می‌توانند اظهارات خود را در دادگاه ابراز نموده و تأثیراتی که جرم بر آن‌ها گذاشته است را تشریح نمایند. هرچند گاهی ترس از آبرو موجب می‌شود خانواده‌ها شکایتی مطرح نمایند. برای نمونه در پرونده شماره 97...90 دختر پانزده ساله‌ای از خانه فرار می‌کند و گرفتار باند فساد اخلاقی شده و ارتباط‌های نامشروع متعددی با وی صورت می‌گیرد و پس از مدتی، باند فساد شناسایی و اعضای آن دستگیر می‌شوند. پدر وی نیز پس از آگاهی از موضوع در دادگاه حاضر شده و ضمن بیان خسارات روحی و روانی شدیدی که از این جهت به خانواده‌شان وارد شده اظهار داشته است که به دلیل حفظ آبرو و ترس از سرزنش دیگران حتی فرار دخترم را گزارش نکردم و اکنون که باند فساد شناسایی و دستگیر شده‌اند شکایتی ندارم.<sup>۶</sup>

توجه به اظهارات زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی مزایای متعددی دارد که همگی در عادلانه‌تر شدن فرایند رسیدگی مؤثر می‌باشند. این شیوه می‌تواند موجب آرامش خاطر بزه‌دیده به خاطر روبرو شدن با متهم و بیان

<sup>1</sup> Miller, K (2014), Relational Caring: The use of the Victim Impact Statement by Sexually Assaulted Women, Violence and Victim, Volume 29, NO 5, P797.

<sup>2</sup> Bandes, S. (2009), Victims, closure, and the sociology of emotion, Law & contemporary problems, 72 (1), 2-3.

<sup>3</sup> شاهیده، فرهاد؛ همان. ص 226

<sup>4</sup> Schuster, M.L., & Proppen, A (2006), Watch victim impact statement study, Minneapolis. P665.

<sup>5</sup> Myers, Bryan & Greene (2004), Edith, The Prejudicial Nature of Victim Impact Statement, Public Policy and Law, Vol 10, 495-511.

<sup>6</sup> شاهیده، فرهاد؛ همان. ص 227

آسیب‌هایی که در اثر جرم دیده است شود. متهم نیز پس از اظهارات بزه‌دیده ممکن است شدت آثار جرمی را که مرتکب شده است درک کند. همچنین، آگاهی قاضی از اطلاعاتی که زنان بزه‌دیده در دادگاه ارائه می‌دهند می‌تواند موجب صدور آراء عادلانه‌تر شود و در کنار آن اصل تناسب جرم با کیفر نیز بیشتر رعایت شود. علاوه بر ایجاد فرصت بیان اظهارات برای زنان بزه‌دیده، می‌تواند منجر به تمایل بیشتر آنان در گزارش جرایم جنسی شود و درمی‌یابند که دستگاه عدالت کیفری رنجی که آنان در اثر بزه‌دیدگی‌شان کشیده‌اند را درک کرده است. مشارکت زنان بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی به جرایم جنسی در دادگاه می‌تواند منجر به رضایت بیشتر از نظام قضایی کشورها نیز گردد.<sup>1</sup>

در ایران نیز با اینکه طبق بند ب ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شاکی اظهارات خود را در دادگاه بیان می‌کند و مطابق ماده ۳۷۱ همان قانون چنانچه قبل از خاتمه رسیدگی شاکی مطلب جدیدی داشته باشد استماع می‌شود، اما این موضوع به صورت منسجم در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است. در رویه دادگاه‌ها نیز عملاً زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی در صورت احضار از طرف دادگاه صرفاً برای اثبات جرم و به کیفر رساندن مرتکب دعوت می‌شوند، زیرا جرم عملی تلقی می‌شود که نظم عمومی جامعه را بر هم زده است، اما آسیب‌های فیزیکی و روانی و حیثیتی‌ای که زنان در این دسته جرائم متحمل می‌شوند به فراموشی سپرده می‌شود. با این وجود با توجه به اینکه هدف اصلی بزه‌دیده‌شناسی قانونی پیشگیری از ارتکاب جرم، اثبات آن و کاهش اشتباهات قضایی است، لذا حضور زنان در دادگاه‌ها ولو با هدف اثبات جرم نیز که باشد حداقل، زمینه تحقق یکی از اهداف بزه‌دیده‌شناسی قانونی را فراهم می‌نماید. در کنار آن، استماع اظهارات زنان بزه‌دیده طبق مواد ۳۵۹ و ۳۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌تواند منجر به صدور احکام کیفری با ضریب اشتباه کمتر شود.<sup>2</sup>

## 2- سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران

رشد فزاینده‌ی پدیده‌ی مجرمانه همراه با شکل‌های گوناگون و نوین بزه و بزهکاری، و نیز ناتوانی نظام عدالت کیفری رسمی از طریق اعمال ضمانت اجرای کیفری در خصوص پیشگیری از ارتکاب جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران، سبب شده است تا سیاستگذاران جنایی به افزایش و تقویت برنامه‌های سیاست جنایی بر اساس مشارکت بیشتر جامعه‌ی مدنی در فرایند کیفری توجه بیشتری داشته باشند سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، که برآمده از بطن جامعه هستند با اقدامات داوطلبانه‌ی خود برای رفع مشکلات اجتماعی و خدمات عمومی فعالیت می‌کنند.

انجمن‌های مردمی در ایران قدمت تاریخی دارند. از هنگامی که زندگی اجتماعی انسان‌ها در روستاها و شهرها شکل گرفت کمک به افراد ناتوان به صورت فردی و گروهی بنیان نهاده شد. رویکرد مشارکتی در ایران قبل از انقلاب در خانه‌های اصناف و شوراهای داوری و پس از انقلاب اسلامی در برنامه‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر دیده می‌شود. در این خصوص می‌توان به مشارکت مردم در فرایندهای کیفری، راه‌اندازی شوراهای حل اختلاف، میانجیگری کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی، فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مانند کودکان خیابانی و زنان قربانی خشونت خانگی، انجمن‌های

<sup>1</sup> همان

<sup>2</sup> شاهیده، فرهاد؛ همان. ص 227-228

حمایت از زندانیان و خانواده‌های آنان و ستادهای دیه و نهادهای ارائه‌کننده خدمات مشورتی و حقوقی رایگان به افراد و زندانیان بی‌بضاعت و به طور کلی تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم جامعه‌مدار اشاره کرد.<sup>1</sup> اما متأسفانه سمن‌ها چندان مورد حمایت دولت و نهادهای دولتی قرار نمی‌گیرند و همین امر منجر به حضور کم رنگ آن‌ها در جامعه می‌شود.

سازمان‌های غیردولتی زنان در جمهوری اسلامی ایران در چشم انداز سیاسی - اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است. آن‌ها نه خود دولت هستند و نه فعالان ضد نظام، بلکه از تغییرات افزایشی در محدودیت‌های سیستم حمایت می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگر چه سازمان‌های غیردولتی، در زمینه آموزش و فعالیت‌های رفاهی، خدمات ضروری را به زنان ارائه می‌دهند، اما آن‌ها از تغییرات اساسی در قوانین حقوق زنان دور هستند. این رویکرد مبتنی بر ملاحظات امنیتی است. فعالان سازمان‌های مردم‌نهاد به شدت از حساسیت‌های دولتی و خطرات ناشی از کار و آزادی خود آگاه هستند. اکراه سازمان‌های غیردولتی برای ایجاد تغییرات اساسی در قوانین مربوط به وضعیت زنان نشان‌دهنده نگرانی محسوس فعالان از احتمال واکنش‌های سیاسی است. سازمان‌های غیردولتی ثبت شده در ایران، موسوم به سازمان‌های مردم‌نهاد، به گونه‌ای فعالیت می‌کنند که نه کاملاً خارج از کنترل دولت است و نه کاملاً تحت کنترل دولت و قلمرو سیاست‌گذاری است. سازمان‌های غیردولتی زنان ایرانی در صورت موفقیت در مراحل ثبت نام قانونی در وزارت کشور، مجاز به انجام طیف وسیعی از فعالیت‌ها از جمله کارهای خیریه، حرفه‌ای و حمایتی هستند. انجمن سازمان‌های غیردولتی تحت ریاست محمد خاتمی از سال 1376 تا 1384 شکوفا شد اما بسیاری از آنها در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد (2005-2013) تعطیل شدند. در زمان ریاست جمهوری حسن روحانی، سازمان‌های غیردولتی زنان با احتیاط (مجدداً) ظهور کردند. از سازمان‌های غیردولتی ثبت شده در ایران در خصوص حمایت از زنان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- 1- بنیاد سازمان‌های مردم‌نهاد: این بنیاد در سال 1383 تحت مدیریت خاتمی، گروهی از چهار نهاد حقوقی غیرسیاسی و غیرمذهبی (در کانادا، یونان، انگلستان و ایالات متحده) ثبت شده است. هدف از تأسیس آن، حمایت از زنان جوان قربانی سوء استفاده جنسی، جسمی یا روحی با افزایش اعتماد به نفس و ایجاد مهارت‌های عملی برای تعیین سرنوشت خود از طریق برنامه‌های آموزشی آنلاین و حضوری با تمرکز بر خودتوانمندسازی است.
- 2- مرکز توانمندسازی زنان و کودکان مهر و ماه: این مرکز ثبت شده در سال 1391 تحت مدیریت احمدی‌نژاد در تهران برای بهبود وضعیت زنان و کودکانی که از طریق آموزش، توانمندسازی و مددکاری اجتماعی دچار تبعیض شده‌اند، هدف‌گذاری شده است.
- 3- مجمع حامیان بانوان شریف: این مجمع که در سال 1392 در مشهد و تحت مدیریت روحانی ثبت شده است، به منظور ارائه خدمات آموزشی و مشاوره به زنان، به‌ویژه آن‌هایی که در معرض خشونت و آسیب قرار گرفته‌اند، هدف‌گذاری شده است.
- 4- بنیاد آتنا: این بنیاد که در سال 1393 تحت مدیریت روحانی در تهران ثبت شده است، با هدف ارتقاء کیفیت زندگی زنان و کودکان آسیب‌پذیر و حاشیه‌نشین در ایران از طریق ارائه آموزش و آموزش تأسیس شد.

<sup>1</sup> جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران، 1390، ص 28

5- انجمن اقدامات برنامه‌ریزی سیاست‌های زنان: این انجمن در سال 1394 تحت مدیریت روحانی در تهران ثبت شد و هدف آن افزایش مهارت‌های رهبری زنان در خانواده، جامعه و محل کار بود.<sup>1</sup>

وضعیت سازمان‌های غیردولتی ثبت شده در ایران ضعیف است و بستگی زیادی به توانایی آن‌ها در دوری از مسائلی دارد که ممکن است توسط مقامات، سیاسی تلقی شود. سازمان‌های غیردولتی زنان ثبت شده، از مشارکت در زمینه دسترسی و نفوذ نهادی برای زنان اجتناب کرده و در عوض خدمات آموزشی و حمایتی را برای افراد مستأصل و نیازمند ارائه می‌دهند. فعالیت‌های اصلی پنج سازمان غیردولتی نامبرده به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

- آموزش و پرورش، با تمرکز بر ایجاد ظرفیت در طیف وسیعی از زمینه‌ها، با تمرکز قوی بر سواد مالی.
- خدمات حمایتی، مانند بررسی سلامت و مشاوره.
- فعالیت‌های خلاقانه که برای افزایش اعتماد به نفس زنان، تقویت تیم‌سازی و فراهم آوردن فضاهای امن برای زنان به منظور بحث در مورد مسائل مهم برای آن‌ها طراحی شده است.
- ذینفعان مورد هدف این برنامه‌ها به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:
  - قربانیان خشونت.
  - مادران مجرد.
  - اقلیت‌های قومی و زنان مهاجر.

تمرکز بر حمایت از افرادی که بیشترین آسیب‌پذیری را دارند و در جامعه به حاشیه رانده شده‌اند، به نوعی بازگشت به انواع فعالیت‌های بی‌خطر و ملایم‌تری است که سازمان‌های غیردولتی زنان در سال‌های قبل از اصلاحات ایران انجام داده بودند. اگرچه سازمان‌های غیردولتی نتوانسته‌اند تغییرات سیستمی از جمله تغییرات قانونگذاری را مورد توجه قرار دهند، اما به نظر می‌رسد با تأثیر بر آگاهی ذینفعان مورد نظر خود، می‌توانند به طور قابل توجهی در تغییر نگرش سهیم باشند: تغییر رفتار با اجرای برنامه‌هایی که تغییرات واقعی را در زندگی روزمره زنان ایجاد می‌کند و تغییر رویه با فراهم آوردن فضاهای مهم و ایمن برای گفتگو بین زنان.

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، موضوع طرح دعوی کیفری از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم علیه زنان به رسمیت شناخته شده است. به این شکل که سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه‌ی آن‌ها در زمینه حمایت از بانوان باشد، اجازه خواهند داشت نسبت به جرائم ارتكابی در این زمینه اعلام جرم نمایند و در تمام مراحل دادرسی برای اقامه‌ی دلیل شرکت و نسبت به آراء دادگاه‌ها اعتراض کنند. همچنین ضابطان دادگستری و مقامات قضایی موظف هستند تا شکایت را پیگیری و بررسی کنند. به طور یقین پیش‌بینی این ماده در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، در پیگیری از جرائم خشونت‌بار علیه زنان راهگشا خواهد بود. چرا که امکان مشارکت نهادهای مردمی که با دلسوزی و داوطلبانه به منظور حمایت از افراد برمی‌آیند در مقایسه با نهادهای قضایی همچون دادستان که این امر بخشی از وظایف سازمانی آن‌ها محسوب می‌شود،

<sup>1</sup> Shahram Akbarzadeh, Rebecca Barlow & Sanaz Nasirpour, (2021), Registered NGOs and advocacy for women in Iran, Third World Quarterly, Published by Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group. P. 1478.

می‌تواند سبب جلوگیری از ارتکاب جرائم مربوط به این حوزه شود. افزون بر این وجود این سازمان‌ها و انجمن‌ها بازتاب مشارکت مدنی در فرآیند کیفری است.

### 1-2- شناسایی انواع بزه‌دیدگی زنان:

یکی از مهم‌ترین تدابیر حمایتی در مرحله پزشکی قانونی، شناسایی انواع بزه‌دیدگی زنان می‌باشد که اصولاً با توجه به خشونت‌های خانگی و جرایمی که علیه این قشر صورت می‌پذیرد از جمله ضرب و جرح و کتک زدن که بعضی مواقع منجر به شکستگی استخوان‌ها می‌شود، سوزاندن با آب جوش و اسیدپاشی، آزار و اذیت‌های روحی، نسبت‌های ناروا و تهمت و افترا، که به طور کلی می‌توان آن را تحت خشونت‌های فیزیکی و خشونت‌های روحی و روانی تقسیم‌بندی کرد، لذا پزشک عمومی و یا مراکز اورژانس بیمارستان‌ها باید با توجه به آموزش دوره‌های تخصصی خود، با بزه‌دیدگی زنان و آثار و عواقب آن آشنایی داشته باشند تا به راحتی بتوانند ضربه‌های روحی و روانی و جسمانی بزه‌دیده را تشخیص دهند. بنابراین پزشک عمومی به طور فراوان و در مواقع مختلف با انواع قربانیان سر و کار دارد؛ نشانه‌های جسمی و روحی یک زن بزه‌دیده اغلب بارز می‌باشند و پزشک باید برای احیای دوباره و احساس انسان بودن در زن این نشانه‌ها را کشف کند. این عمل زن را از یک انزوای دردناک خارج می‌کند.<sup>1</sup>

### 2-2- پلیس اداری و قضایی شاکله اولیه تأمین امنیت زنان:

شناخت جایگاه و نقش پلیس از این منظر اهمیت دارد که از خلال آن می‌توان وظیفه حمایت از بزه‌دیدگان، به‌ویژه بزه‌دیدگان خشونت و ضرب و جرح (زنان) را برای پلیس قائل شد. همچنین پلیس زن به عنوان پلیس ویژه در ساختار کلی پلیس از یک سو و ضرورت حضور پلیس زن در برخی از موارد جهت ایفای نقش مؤثری از سوی دیگر نیازمند بررسی و مذاقه است.<sup>2</sup>

البته شایان ذکر است که وظایف پلیس قضایی از پلیس اداری تفکیک شده است. وظیفه پلیس اداری حفظ امنیت شهروندان و صیانت از منافع عمومی است. بدین ترتیب وظایف پلیس اداری دربرگیرنده مجموعه‌ای از شیوه‌های حقوقی و ماده در اختیار مقامات اداری برای تضمین حفظ و تثبیت نظام عمومی است. به عبارت دیگر وظیفه پلیس اداری پیشگیری از جرم و پلیس قضایی کمک به جنبه کیفری یا تعقیب مجرمان است. با تفکیک بیان شده با این حال می‌توان گفت که هر دوی آنها وظیفه ایجاد حس امنیت اجتماعی برای همه اقشار علی‌الخصوص اقشار ضعیف جامعه، زنان و کودکان را دارند.

### 3-2- استفاده از تیم‌های پزشکی قانونی:

یکی از مهم‌ترین مراحل در فرایند پزشکی، درمان آن است که پزشک قادر باشد زن را به یک انجمن حمایتی دولتی یا غیردولتی معرفی کند.<sup>3</sup> سیستم مراقبت بهداشتی در همکاری نزدیک با سایر بخش‌ها مانند سیستم پلیس و سرویس‌های اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند. کارکنان مراقبت بهداشتی باید برای

<sup>1</sup> - امیریان فارسیانی، امین؛ سیمین، آزادیان، همان: ص 128-130

<sup>2</sup> - Oxford Dictionary, 6 ed, Oxford University Press, United states, 2000, p.1016.

<sup>3</sup> - Fattah, E. A. (2005), the plight of crime victims in Modern Society, Macmillan Press, Canada. P45

علائم آشکار خشونت و رفع نیازهای سلامت زنان در این خصوص آموزش ببینند و ارائه برنامه‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی باید هماهنگ با قانون صورت گیرد تا حقی از بزه‌دیدگان ضایع نشود.<sup>۱</sup>

#### 4-2- حمایت از زنان در مرحله بررسی پزشکی قانونی:

پزشکی قانونی مرجعی صاحب صلاحیت برای اظهارنظر پزشکی حقوقی در دادگاه است.<sup>۲</sup> در ایران پزشکی قانونی سازمانی است وابسته به قوه قضائیه که به منظور کارشناسی در امور پزشکی که نظریات آن برای مراجع قضائی و سایر دستگاه‌های دولتی مستند می‌باشد، فعالیت می‌کند. بررسی و تحقیق در امور پزشکی قانونی در پیشگیری از وقوع جرم تشکیل شده است.<sup>۳</sup> خشونت‌ها و تجاوزهای وارده به زنان ممکن است آسیب‌های روحی و روانی متعددی بر جسم و روان زنان بزه‌دیده بر جای گذاشته باشد که تشخیص و درمان فوری و به موقع پزشکی را می‌طلبد که در این میان، قانون آئین دادرسی کیفری تنها در سطح سیاست جنایی تقنینی به جلوه‌ای ناقص از حمایت پزشکی پرداخته است. ماده ۸۸ آئین دادرسی کیفری با تأکید بر آسیب‌های بدنی و روانی دعوت از پزشک قانونی معتمد را بر دوش قاضی نهاده است. حمایت‌های پزشکی نسبت به سایر حمایت‌ها می‌بایست بلافاصله پس از تحقق جرم صورت گیرد که در این نوع حمایت تشخیص پزشک می‌تواند به تعیین نوع بزه نیز کمک فراوانی نماید.<sup>۵</sup>

#### 5-2- تخصیص شعب دادگاه به خشونت‌های جنسی:

تخصیص بعضی از شعب چه در مرحله تحقیقات مقدماتی (دادسرا) و چه در مرحله رسیدگی و صدور حکم در پرونده‌های خشونت جنسی چه از جهت کمیت و کیفیت می‌تواند در روند رسیدگی اینگونه پرونده‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد. البته باید اشاره کرد از آنجا که تحقیقات مقدماتی این جرایم در حوزه خشونت جنسی در دادگاه صورت می‌گیرد، لذا ضرورت دادگاه تخصصی برای حمایت از زنان و برپایی یکی از پارامترهای دادرسی منصفانه باید مورد بررسی قرار گیرد.<sup>۶</sup>

#### 6-2- حضور مشاوران قضایی و مددکاران اجتماعی:

استفاده از مددکاران و مشاوران قضایی برای حفظ حقوق بزه‌دیده و جبران حقوق تضییع شده بزه‌دیده در مرحله دادرسی حائز اهمیت است. از این رو در دادگاه‌ها واحدی بنام واحد ارشاد و معاضدت قضایی تشکیل شده است که بر اساس آئین‌نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به منظور ارشاد قضایی و راهنمایی بزه‌دیده نیازمند در هر حوزه قضایی زیر نظر معاون قضایی آن حوزه با تعداد لازم مشاور و کارشناس تشکیل می‌شود. این واحدها دارای ماهیت اداری است و می‌تواند نیاز بزه‌دیده را در مرحله

<sup>۱</sup> - امیریان فارسیانی، امین؛ سیمین، آزادیان، همان: ص 130-131

<sup>۲</sup> - همان: ص 127

<sup>۳</sup> - Fattah, E. A. (2006). Understanding criminal victimization, Macmilan Press, Canada. p75

<sup>۴</sup> - امیریان فارسیانی، امین؛ سیمین، آزادیان، همان: ص 128

<sup>۵</sup> - همان: ص 128

<sup>۶</sup> - همان: ص 131

احقاق حق و دادرسی تأمین کند. لیکن حق مطلب آن است که گستردگی نیاز بزه‌دیدگان، ضرورت تشکیل مؤسسات و انجمن‌های تخصصی‌تر و سازمان‌یافته‌تری را می‌طلبد که در مرحله اول در قالب غیرقضایی و در مرحله دوم به شکل منظم و سریع به یاری بزه‌دیدگان می‌شتابد و به ویژه با راهنمایی‌های درست و قانونمند بازویی توانا برای محاکم محسوب می‌شود که اولاً با شناخت درست و آگاهی از قانون و حقوق خود وارد دعوی شوند و در صورت ورود به دادرسی از پیچیدگی‌های مراحل قانونی در امان باشند، هم‌چنین قاضی می‌تواند با هماهنگی با مددکاران اجتماعی دستور دهد که یک کارشناسی پزشکی - روانی از بزه‌دیده به عمل آید که به گونه‌ای از صحت و سلامت اظهارات بزه‌دیده اطمینان حاصل شود که برای حسن جریان تحقیق و دادرسی ضروری است. مأموریت کارشناسی مددکاران اجتماعی ایجاب می‌کند که آثار روانی بزه‌دیده را بررسی کنند که این امر در واقع برای بزه‌دیدگان یک امتیاز محسوب می‌شود؛ چرا که در طول این بررسی کارشناسانه درد و رنج درونی و احساس وی شنیده و درک می‌شود که این امر به درک دقیق بزه پیش آمده و دادرسی منصفانه‌تر یاری می‌رساند.<sup>1</sup>

## 7-2- جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در قوانین ایران

در سال 1378 شورای عالی اداری مرجع صدور مجوز و نظارت بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی را دستگاه ذیربط در موضوع فعالیت آن سازمان غیردولتی دانست که این مصوبه توسط دیوان عدالت اداری ابطال شد. در سال 1381 آئین‌نامه دیگری تنظیم شد که برای ساماندهی چنین تشکلهایی، مرجع صدور مجوز را وزارت کشور دانست که پس از آن چندین بار اصلاح گردید.

هم‌چنین مطابق آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب 5 آبان 1384 هیأت وزیران، مبنا و تنها سند قانونی برای فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، مجوز وزارت کشور است. طبق ماده‌ی 2 این آیین‌نامه، سازمان پس از گرفتن پروانه فعالیت و ثبت برابر ضوابط این آیین‌نامه و سایر مقررات جاری دارای شخصیت حقوقی می‌شود. اما این امر نمی‌تواند مجوزی برای ورود به محاکم قضایی برای اعلام جرم یا شکایت علیه شخص یا نهادی باشد. وزارت کشور با همکاری وزیر دادگستری فهرستی از سازمان‌های مورد تأیید را تهیه و در اختیار رئیس قوه قضائیه قرار می‌دهد و این تأیید به معنای داشتن مجوز قانونی برای فعالیت و نداشتن سابقه تخلف یا پرونده در محاکم قضایی و تأیید صلاحیت سازمان‌های مورد نظر می‌باشد.

لایحه‌ی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، مداخله‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد را در خصوص حمایت از بزه‌دیده‌گان آسیب‌پذیر، حقوق شهروندی و نیز حفاظت از حقوق و منافع همگانی مانند محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی و بهداشت عمومی با اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی را با شرایطی پذیرفته بود. اما پس از اصلاحیه مورخ 1394/03/24 حق این سازمان‌ها در اقامه‌ی دلیل و اعتراض به آرای قضایی از متن ماده حذف شد. و در حال حاضر سازمان‌های غیردولتی فقط در خصوص جرایم ارتكابی مربوط به موضوع فعالیت خود قادر خواهند بود به دادگستری اعلام جرم کنند و در زمینه جرایم ارتكابی مربوط به موضوع فعالیتشان حق ندارند به دادگستری شکایت کنند.

در ماده‌ی 66 قانون آیین دادرسی کیفری برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرایند کیفری شرایطی مقرر شده است. ماده‌ی 2 اساسنامه‌ی تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد در خصوص نوع فعالیت این سازمان‌ها است. حوزه‌ی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در فرایند کیفری باید غیرسیاسی،

<sup>1</sup> - همان: ص 132



غیرانتفاعی، غیردولتی و بر اساس موارد مندرج در ماده‌ی 66 قانون آیین دادرسی کیفری باشد. فعالیت سمن‌های مشمول ماده‌ی 66 حصری بوده و شامل سازمان‌های مردم‌نهادی می‌شود که اساسنامه آن‌ها درباره‌ی حمایت از اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، اطفال و نوجوانان، زنان، محیط زیست، میراث فرهنگی، منابع طبیعی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است و شامل سمن‌های دیگر که در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از حوادث کار، زندانیان، بزه‌دیدگان بی‌بضاعت و غیره فعال هستند، نمی‌شود. این موضوع سبب اعتراض سازمان‌های مردم‌نهادی است که حیثه‌ی فعالیت آن‌ها فراتر از موارد تصریح شده در ماده قانونی است. در تبصره‌ی 3 ماده‌ی 66 قانون آیین دادرسی کیفری مقرر گردیده است: اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند در سه ماهه نخست هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. بنابراین قانونگذار حق تشخیص سازمان‌های فعال در حوزه مذکور را هم از مقامات قضایی سلب کرده و اسامی آنان را محدود به فهرستی کرده که توسط مقامات قوه مجریه و قضائیه تهیه می‌شود.<sup>1</sup>

در حالی که متن ماده، حق مورد نظر را بدون قید و شرط به همه سازمان‌هایی که در اساسنامه‌ی آن‌ها حمایت از افراد ناتوان یا کم‌توان یا حقوق عمومی و شهروندی پیش‌بینی شده، داده است، تبصره‌ی اخیر با توجه به اینکه معیاری برای انتخاب سازمان‌های حایز شرایط تعیین نکرده است، موجب اعمال سلیقه‌ی شخصی و تبعیض احتمالی خواهد شد. بررسی همه سمن‌ها برای تعیین صلاحیت‌شان توسط وزیران دادگستری و کشور برای معرفی به ریاست قوه قضائیه بسیار زمان‌بر است. مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی محدود به اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی است و قبل از اصلاح نهایی قانون آیین دادرسی کیفری، حق اعلام جرم، حق معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا و دادگاه و دریافت احضارنامه، حق اظهار نظر و ارائه دلیل در مرجع قضایی و اعتراض به رای صادره را داشتند. با توجه به اینکه هدف از وضع ماده 66 حمایت است، صرف اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی حمایت محسوب نمی‌شود. برای گسترش هر چه بیشتر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری بایستی زمینه فعالیت، نظارت و ارزیابی فعالیت این سازمان‌ها به منظور رفع موانع و مداخله آن‌ها فراهم شود.

در اصل 165 قانون اساسی آمده است: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. بر اساس ماده‌ی 66 سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در جلسات رسیدگی شرکت نمایند. تبصره‌ی 4 ماده‌ی 66 اجرای این ماده را با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی ممکن دانسته و مقرر کرده در جرایم منافی عفت سمن‌های موضوع این ماده با رعایت ماده‌ی 102 قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن تنها می‌توانند اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند. اما نکته جالب که برخلاف صدر ماده عنوان گردیده، اعطای حق ارائه دلیل در خصوص جرایم منافی به سمن‌ها می‌باشد که با سلب یک حق و اعطای حقی دیگر پیش‌بینی گردیده است. بنابراین می‌توان گفت ماده 66 قانون آیین دادرسی کیفری با تصریح بر حق شرکت سمن‌ها در جلسات رسیدگی در واقع امتیاز یا حق جدیدی به آنها نداده است.

<sup>1</sup> خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات شهر دانش، تهران، 1393، ص 72

اصل 26 قانون اساسی مقرر می‌دارد: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزاد هستند مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند». همچنین اصل 27، بر آزادی تشکیل اجتماعات و راه پیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد تأکید کرده است. بر مبنای اصول قانون اساسی، جمعیت‌ها و انجمن‌ها که شامل سازمان‌های غیردولتی می‌شوند در انجام فعالیت خود مشروط به قیود خاص آزاد می‌باشند. برای تأسیس و فعالیت این نوع سازمان‌ها نیازی به اخذ مجوز نیست و دولت صرفاً نظارت می‌کند تا آن‌ها شرایط مقرر در اصل 26 و 27 را نقض نکنند. اما شرط رعایت اصول مزبور نیازمند احراز صلاحیت سازمان غیردولتی می‌باشد و باید قبل از تأسیس و فعالیت مجوز لازم را اخذ نمایند. با توجه به مواد 586 تا 584 قانون تجارت از تاریخ ثبت در دفتر مخصوص واجد شخصیت حقوقی می‌شوند. قانون ثبت شرکت‌ها امکان ابطال مجوز را ندارد و این امر مستلزم یک تصمیم قضایی است.<sup>1</sup>

در ایران تعامل کمی بین شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی و فرایند فعالیت نظام وجود دارد. به منظور گسترش نهادهای مدنی، بسترسازی فرهنگی و اجتماعی ضروری است. قانون جامع و کاملی در خصوص فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و نظارت بر آن‌ها تصویب نشده است. با توجه به جدید بودن روند مشارکت سمن‌ها در فرآیند کیفری، لازم است که بر فعالیت این سازمان‌ها نظارتی مستمر و کارآمد وجود داشته باشد.

### 3- سازمان‌های مردم‌نهاد در کانادا

سازمان‌های غیردولتی که با نام اختصاری NGO نیز شناخته می‌شوند، سازمان‌های غیرانتفاعی هستند که بدون بودجه هیچ دولتی فعالیت می‌کنند. به طور معمول، این سازمان‌ها برای رسیدگی به موضوعات مرتبط با مسائل اجتماعی و سیاسی در مکان‌های مختلف در سراسر جهان آماده هستند. این نهادهای حقوق بشری، توسعه و کمک‌های بشردوستانه محدود به مواردی نیستند که می‌توانند انجام دهند یا هدف آنها است، بلکه طیف وسیعی از مسائل را شامل می‌شود که همگی در تلاش هستند تا جهان را به مکانی بهتر تبدیل کنند. این امر در مورد سازمان‌های غیردولتی که خارج از کانادا فعالیت می‌کنند نیز صادق است، زیرا بسیاری از سازمان‌های مختلف بر مکان‌های مختلف داخلی و بین‌المللی تمرکز کرده‌اند. برخی از مشهورترین آن‌ها عبارتند از: CARE Canada. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ<sup>2</sup>، پزشکان بدون مرز، فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر، سازمان بین‌المللی آکسفام<sup>3</sup>، و چشم‌انداز جهانی بین‌المللی<sup>4</sup>.

CARE Canada یکی از بزرگترین سازمان‌های جهان است که در زمینه توسعه و امدادسانی مستقل فعالیت می‌کند. چشم‌انداز جهانی بین‌المللی، که اغلب به اختصار WVI نامیده می‌شود، برترین سازمان‌های مستقل توسعه و امداد مسیحی در جهان است. بسیاری از پروژه‌های انجام شده توسط WVI، طراحی، ساخته شده و در جبهه محلی مستقر می‌شوند. ورلد ویژن کانادا یک منبع عالی برای اولین تماس با سازمان‌های غیردولتی کانادایی است که می‌خواهند در فعالیت‌های سازمان مشارکت داشته باشند. کمیته

<sup>1</sup> وروایی، اکبر، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۸،

تابستان 1395، ص 34-41

<sup>2</sup> International Committee of the Red Cross

<sup>3</sup> Oxfam International

<sup>4</sup> World Vision International

بین‌المللی صلیب سرخ یا ICRC، یک سازمان بی‌طرف مستقل است که مقر آن در ژنو است و خدمات بشردوستانه ارائه می‌دهد. این سازمان در زمینه آموزش و اجرای قواعد جنگ، که اصطلاحاً حقوق بین‌الملل بشردوستانه نامیده می‌شود تخصص دارد. آکسفام شامل شبکه‌ای از 17 سازمان است که در بیش از 90 کشور جهان شرکت می‌کنند. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین پاسخ‌دهندگان جهان به بحران‌های حاد حقوق بشر و بشردوستانه در سراسر جهان است. این سازمان، موضوعاتی مانند تغییرات آب و هوایی، دفاع از حقوق زنان، حفاظت از حق آب تمیز در سراسر جهان، کمک به افزایش دستمزد برای افرادی که در فقر زندگی می‌کنند و در زمینه مقابله با سوء استفاده از محیط کار و نقض حقوق را هدف قرار می‌دهد. فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر بزرگترین سازمان بشردوستانه در کشور است. مأموریت آن‌ها کار بر روی مسائل مربوط به سلامت، بلایا و بحران‌ها، مهاجرت و آوارگی، آموزش و کار و موارد دیگر است. یکی از معروف‌ترین این سازمان‌ها در کانادا، پزشکان بدون مرز است که یک سازمان مستقل حقوق بشری و کمک‌های بشردوستانه است و کمک‌های پزشکی را به گوشه و کنار جهان می‌رساند. در حالی که اینها در بین محبوب‌ترین و بزرگترین سازمان‌های غیرانتفاعی کانادا هستند، بسیاری از سازمان‌های غیردولتی دیگر کانادایی تلاش می‌کنند تا جهان را از ابتدا تغییر دهند. به طور کلی از سازمان‌های دارای دفتر در کانادا می‌توان به شرح ذیل نام برد: سازمان بین‌المللی مهاجرت<sup>1</sup>؛ جنبش بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر؛ مراقب‌های بین‌المللی<sup>2</sup>؛ انجمن حقوق زنان در توسعه؛ برنامه بین‌المللی<sup>3</sup>؛ کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان<sup>4</sup>؛ پزشکان بدون مرز؛ شفافیت بین‌المللی<sup>5</sup>؛ ارتباط عدالت اجتماعی<sup>6</sup>؛ نجات کودکان بین‌المللی<sup>7</sup>؛ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ؛ سازمان عفو بین‌الملل<sup>8</sup>؛ دیده‌بان حقوق بشر<sup>9</sup>؛ صندوق بین‌المللی فوریت‌های کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)<sup>10</sup>؛ پل‌های صلح بین‌المللی<sup>11</sup>؛ مرکز سیمون ویزنتال<sup>12</sup>؛ زیستگاه بین‌المللی بشریت<sup>13</sup>؛ چشم‌انداز جهانی بین‌المللی<sup>14</sup>.

دفتر فدرال حقوق بشر قربانیان جنایت<sup>15</sup> منبع مستقل در سطح فدرال است که ضمن اطمینان از تعهد دولت به قربانیان جنایت، صدایی برای قربانیان و بازماندگان جنایت در کانادا ارائه می‌دهد. بخش مهمی از کار این دفتر، شناسایی مسائل نوظهور و سیستمیک است که بر قربانیان جنایت تأثیر منفی می‌گذارد. دستور کار این دفتر به شرح ذیل است:

• کمک و اطلاع‌رسانی به قربانیان و پاسخگویی به سؤالات مربوط به حقوق قربانیان در کانادا؛

<sup>1</sup> International Organization for Migration (IMO)

<sup>2</sup> CARE International

<sup>3</sup> Plan International

<sup>4</sup> UNHCR

<sup>5</sup> Transparency International

<sup>6</sup> Social Justice Connection

<sup>7</sup> Save the Children International

<sup>8</sup> Amnesty International

<sup>9</sup> Human Rights Watch

<sup>10</sup> United Nations International Children's Emergency Fund (UNICEF)

<sup>11</sup> Peace Bridges International

<sup>12</sup> Simon Wiesenthal Center

<sup>13</sup> Habitat for Humanity International

<sup>14</sup> NGOs in Canada, Human Rights Careers, (2021), Available at:

<https://www.humanrightscareers.com/magazine/ngos-in-canada/?nowprocket=1>

<sup>15</sup>) OFOVC

- رسیدگی و بررسی شکایات مربوط به ادارات دولتی فدرال، آژانس‌ها، قوانین یا سیاست‌هایی که بر قربانیان جرم تأثیر می‌گذارد؛
- شناسایی و بررسی مسائل نوظهور و بررسی سیستماتیک موضوعاتی که بر قربانیان جرم تأثیر منفی می‌گذارد؛
- ارائه مشاوره برای اطمینان از آگاهی سیاست‌گذاران از نیازها و نگرانی‌های قربانیان و ارائه توصیه‌هایی به وزیران فدرال مبنی بر اینکه چگونه قوانین، سیاست‌ها و فرایندها می‌توانند بیشتر پاسخگوی نیازهای قربانیان باشند؛ و
- افزایش آگاهی از مسائل قربانیان و حقوق قربانیان در سطح فدرال.<sup>۱</sup>

### 1-3- چهارچوب‌های خشونت بر علیه زنان در کانادا

آژانس‌های دولتی از قبیل اداره آمار کانادا به بررسی خشونت بین زن و شوهر با سنجش و ارزیابی اجتماعی پرداخته و به روند قربانی شدن در مدت 5 سال با اجرای شیوه‌های موجود تأکید کرده‌اند.<sup>۲</sup>

مقایسه شرایط بین دو کشور مد نظر بوده و در کانادا، مشروعیت مدنی و کیفری در سطح گسترده باعث صیانت از قربانیان در برابر افراد سوءاستفاده‌کننده شده است. در تمام ایالت‌ها و قلمروهای کانادا نیز تعقیب و پیگیری خط مشی‌های اجرایی با جنبش‌ها و فعالیت‌های فمینیستی انجام شده که اقدامات موجود دارای نقش کلیدی و مهمی در بهبود حقوق زنان و تغییرات قانونی در ارائه خدمات به قربانیان در زمینه خشونت بر علیه زنان می‌باشد.<sup>۳</sup> در پنج ایالت آلبرتا، ساسکاتچوان، مانیتوبا، اونتاریو و نیوبرونسویک و قلمرو یوکون نیز دادگاه‌ها به بررسی خشونت محلی برای اطمینان بیشتر از امنیت قربانیان پرداخته‌اند. استماع موضوعات در دادگاه نیز با شرایط مشهود و نامشهود برای قربانیان بررسی و انجام شده است.<sup>۴</sup> در بیشتر ایالت‌ها و قلمروها از قبیل آلبرتا، ساسکاتچوان، مانیتوبا، پرنس ادوارد آیلند، نووا اسکوتیا، یوکون و قلمروهای شمال غرب نیز از مشروعیت قانونی برای صیانت از زنان در برابر خشونت استفاده شده است. هدف از مشروعیت قانون مدنی نیز شامل صیانت و اطمینان بیشتر از قربانیان و خشونت بر علیه زنان

<sup>1</sup> Illingworth, Heidi & Ferrara, Nadia, (2020), United Nations Special Rapporteur on Violence Against Women, Government of Canada Office of the Federal Ombudsman fir Victims of Crime.

<sup>2</sup> - داده‌های آماری کشور کانادا سال 2011

<sup>3</sup>- Laurie, C. (2008). Seeking protection for victims of stalking: The domestic violence and stalking act of Manitoba. In J. Ursel, L.M. Tutty, & J. LeMaistre (Eds.), What's Law Got to Do With It? The law, specialized courts and domestic violence in Canada (pp. 228-253). Toronto: Cormorant Books

<sup>4</sup> Sheehy, E.A. (2002). Legal responses to violence against women in Canada. In K.M.J. McKenna & J. Larkin (Eds.), Violence against women: New Canadian perspectives (pp. 473-491). Toronto: Inanna Publications & Education.

<sup>5</sup> - Johnson, H., & Dawson, M. (2011). Violence against women in Canada: Research and policy perspectives. Don Mills, ONT: Oxford University Press.

<sup>6</sup> - Ursel, J., Tutty, L.M., & LeMaistre, J. (Eds.). (2008). What's Law Got to Do With It? The law, specialized courts and domestic violence in Canada. Toronto: Cormorant Books.

می‌باشد.<sup>۱</sup> در نهایت، دولت کانادا لایحه آیین‌نامه و قانون کیفری سال 1983 و 1993 را برای تجاوز جنسی ارائه کرده و جرم آزار و اذیت شوهر در برابر همسر به صورت کیفری بررسی شده است.<sup>۲</sup>

### 2-3- تعقیب و پیگیری و مجازات:

کانادا در بررسی موضوعات خشونت بر علیه زنان پیشگام بوده اما کشوری مانند چین در بخش‌های کیفری و دادگستری خود از اجرای برخی پرونده‌های خشونت بر علیه زنان اکراه دارد. مجمع وکلاء در کانادا و در تمام حوزه‌های قضایی شیوه‌های راهبردی تعقیب و پیگیری قانونی را در دهه 80 میلادی اجرا نموده‌اند. این خط مشی‌ها در زمینه خشونت بر علیه زنان به عنوان یک جرم شدید بوده و باید از عوامل بازدارنده خشونت یا اتهام استفاده شود. در این تحقیق، خط مشی‌های موجود با افزایش خشونت و کاهش برخی از اتهامات مد نظر قرار گرفته است. (داده‌های آماری کانادا، 2006). بررسی خشونت کیفری و جنایی بر علیه زنان ممکن است دارای تأثیر مثبتی روی امنیت قربانیان و اطمینان آنان از اجرای سیستم قضایی در دادگستری باشد. (مسئولیت وزرای ایالتی دولت فدرال در زمینه عدالت و دادگستری، 2003)

زنان مهاجر در کانادا و به ویژه زنان چینی به عنوان قربانیان خشونت جنسی بوده و آمار خشونت بین زنان مهاجر و غیرمهاجر به ترتیب با 4 درصد در برابر 7 درصد مورد مقایسه قرار گرفته است. (داده‌های آماری کانادا، 2011).

### 3-3- آموزش و ارائه موضوعات:

آموزش الگوهای ویژه قضایی و کیفری در کانادا گسترش یافته است. (مسئولیت وزرای ایالتی دولت فدرال در زمینه عدالت و دادگستری، 2003، Ursel و همکاران، 2008). تمام حوزه‌های قضایی در کشور کانادا از اقدامات اولیه برای بهبود واکنش‌های قضایی و کیفری در مورد خشونت بر علیه زنان استفاده می‌کنند. در برنامه‌ها و ابزار آموزشی به بررسی پویایی خشونت بر علیه زنان، مشروعیت اجرایی جدید و مطالعه پروتکل‌ها در مورد خشونت بر علیه زنان در دادگاه‌های محلی و ویژه به منظور امنیت قربانی، نظم و انضباط درونی و تیمی و نقش آژانس‌های مختلف قضایی و کیفری و عملکرد پرسنل در پرونده‌های مربوطه پرداخته شده است. این اقدامات آموزشی برای پرسنل جدید قضایی و دادگستری از قبیل پلیس و دادگاه به منظور پیگیری و اصلاح و ارائه خدمات به قربانیان مد نظر قرار گرفته است. (مسئولیت وزرای ایالتی دولت فدرال در زمینه عدالت و دادگستری، 2003). نهاد قضایی ملی نیز در سال 1988 تأسیس شده و باعث رشد و توسعه برنامه‌های آموزشی در شیوه‌های قضایی دولت فدرال، ایالتی و محلی کانادا شده است.

در کانادا از جمع‌آوری داده‌های سیستماتیک برای خشونت بر علیه زنان استفاده شده و سنجش داده‌های آماری برای موضوعات اجتماعی در مدت 5 سال از سال 1993 اجرا شده است. دانشگاه‌ها و زنان در پروژه‌های مختلف تحقیقاتی و مراکز پژوهشی دیگر به بررسی و آموزش خشونت بر علیه زنان و کودکان در

<sup>1</sup> - Busby, K., Koshan, J., & Wieggers, W. (2008). Civil domestic violence legislation in the Prairie Provinces: A comparative legal analysis. In J. Ursel, L.M. Tutty, & J. LeMaistre (Eds.), *What's law got to do with it? The law, specialized courts and domestic violence in Canada* (pp. 197-227). Toronto: Cormorant Books.

<sup>2</sup> - مسئولیت وزرای ایالتی دولت فدرال در زمینه عدالت و دادگستری، 2003.

<sup>3</sup> - دپارتمان قضایی و دادگستری کانادا، 2004.

اوتاریو پرداخته و موانع و دلایل اصلی در این الگوهای راهبردی برای پیشگیری یا حذف خشونت بر علیه زنان تعریف شده است. از طرفی کشور کانادا به بررسی خشونت خانوادگی در سطح ملی پرداخته و گزارش‌های آماری از خانواده‌ها متناسب با ابزار آموزشی بوده و می‌توان به شیوه‌های کلی خشونت بر علیه زنان دست یافت. وب سایت امنیت عمومی در دولت کانادا نیز به سادگی برای بررسی موضوعات قانونی قابل دسترسی بوده و در مقالات تحقیقاتی و پژوهشی به توصیف خشونت بر علیه زنان پرداخته شده است. شفاف‌سازی و دسترسی به منابع توسط محققان ملی و بین‌المللی، فعالان زن، ارائه‌دهندگان خدمات و سیاست‌مداران نشانگر وجود تجربیات مشابه در روند آموزش و موفقیت، رشد و توسعه به همراه اقدامات مداخله‌ای و پیشگیری‌کننده اولیه در زمینه خشونت بر علیه زنان می‌باشد.

#### 3-4- کمپین‌های آموزش عمومی در مفهوم قانونی کانادا:

در طی 40 سال گذشته، تعداد کمپین‌های آموزش عمومی در کانادا و به منظور پیشگیری از خشونت جنسی افزایش یافته است. کمپین‌های آموزش عمومی، نقش مهمی را در زمینه افزایش آگاهی در مورد خشونت جنسی و پیشگیری از خشونت جنسی با تغییر هنجارهای اجتماعی، الگوهای راهبردی سازمانی، نگرش‌ها و رفتارهای جامعه و پتانسیل بالقوه دفاع از شرایط موجود ایفاء کرده‌اند. این کمپین‌ها دارای تأثیر بیشتری در یکپارچگی الگوهای راهبردی به نحو مطلوب بوده که عبارتند از:

- 1) چهارچوب خشونت جنسی با مفهوم قانونی و نابرابری جنسیتی؛
  - 2) بهبود تغییرات رفتاری مثبت؛
  - 3) رشد و گسترش هنجارهای اجتماعی و بهبود و برابری جنسیتی؛
  - 4) گستردگی تعامل در فرصت‌های یادگیری در مراحل زمانی و تقویت پیام‌ها و موضوعات؛
  - 5) ارائه موضوعات مربوط به مخاطبان در سطح گسترده؛
  - 6) بررسی پیام‌ها و آگاهی از مفاهیم توسط مخاطبان؛
  - 7) تشویق تمام اعضای جامعه از قبیل پسران، مردان و شاهدان عینی وقایع؛
- تشویق تمام اعضای جامعه از قبیل پسران، مردان و شاهدان عینی وقایع بر اساس نگرش‌های موجود اخیراً در کمپین‌های آموزش عمومی بر علیه خشونت جنسی مد نظر بوده است.<sup>1</sup> این روش با شیوه‌های آموزش سنتی در کمپین‌ها مورد نقد و تحلیل قرار گرفته و آموزش زنان باعث حفظ امنیت آنها و تهدید در برابر خشونت جنسی می‌شود. در کمپین‌ها، موضوعات زیر نقد و تحلیل شده است:
- 1) بررسی مسئولیت‌پذیری و قربانی شدن افراد و پیشگیری از جرائم و اهداف اولیه در خشونت جنسی؛
  - 2) غیرموثر بودن روند کاهش خشونت جنسی.
- در بیشتر خشونت‌های جنسی باید سعی نمود تا از اعمال نفوذ زنان بر علیه شرایط موجود جلوگیری کرده و باید به نقد و تحلیل عملکرد مردان و اعضاء جامعه در پیشگیری از خشونت جنسی پرداخت.

<sup>1</sup> - Leach, Brittany (2013). "Slutwalk and Sovereignty: ) Transnational Protest as Emergent Global Democracy". APSA 2013 Annual Meeting Paper. SSRN 2300699

الگوهای عمومی در کمپین‌های آموزش عمومی در کشور کانادا باید با بسیاری از الگوهای راهبردی مناسب بررسی شوند. عملکرد اجرایی کمپین‌ها با آژانس‌ها یا گروه‌های مختلف رشد و توسعه‌یافته و سه مخاطب اصلی برای کمپین‌ها در نظر گرفته شده که عبارتند از:

- (1) زنان
- (2) مردان و پسران
- (3) تمام جامعه در سطح گسترده که می‌توان به شاهدان عینی و واقعی جامعه و مداخله آنها در جهت پیشگیری از رویداد خشونت جنسی اشاره و تأکید نمود.

اقدامات اولیه زیادی در زمینه اعمال نفوذ روی زنان در کشور کانادا انجام شده که می‌توان به افزایش آگاهی و پیشگیری از خشونت جنسی اشاره نمود. بررسی موضوعات در سطح بین‌المللی و به طور سالانه انجام شده است. اولین جلسه در این زمینه نیز در ماه مارس سال 1978 در کشور کانادا برگزار شده و هر سال در سومین جمعه ماه سپتامبر می‌توان به توصیف موضوعات دیگر پرداخت. عملکرد قربانی شدن زنان و صیانت از آنان در برابر خشونت جنسی نشانگر یک رفتار محدود بوده که بیشتر در شب‌ها شاهد این نوع جرائم بوده و این روند شامل اهداف بزرگتر برای افزایش آگاهی و پیشگیری از خشونت جنسی می‌باشد.<sup>1</sup>

در اقدامات اولیه به نقد و تحلیل در مورد ضرب و جرح یا آزار جنسی به صورت آزادانه و اعمال نفوذ روی زنان پرداخته و صیانت از زنان و دختران در برنامه‌های اصلی مرکز مورد توجه قرار گرفته است. در این برنامه‌ها نیاز به افزایش روند تغییرات اجتماعی و حذف خشونت جنسی داشته و اهداف موجود به زنان و دختران در جهت احساس امنیت و آرامش بیشتر و ایجاد تغییرات مناسب کمک می‌کنند.

در نهایت در سال 2011 نیز جنبش فعال‌گرایی موسوم به اسلات واک<sup>2</sup> تأسیس گردید. پلیس تورنتو در این مورد چنین بیان نموده که زنان باید با پوشیدن لباس‌های مناسب از قربانی شدن خود اجتناب نمایند. هر سازمان باید به شرایط قربانی شدن زنان و بیان ایده‌های جنسیتی توجه داشته باشد و برای برقراری امنیت زنان در برابر خشونت جنسی نیاز به ایجاد شرایط برابر در کشور کانادا داریم.<sup>3</sup>

تعدادی از برنامه‌های کمپین‌ها در زمینه آموزش خشونت جنسی می‌توانند باعث تشویق مردان و پسران شوند. در بیشتر کمپین‌ها مردان، اقدامات خود را برای خشونت جنسی علیه زنان مطرح کرده و بیشتر مردان نیز تشویق به خشونت بر علیه زنان نکرده و باید به آنها در جهت تغییر محیط فرهنگی و اتهام در عملکردهای خشونت جنسی کمک نمائیم. در کمپین‌ها باید روند خشونت به مردان بر اساس شیوه رفتاری آموزش داده شده و روش‌های تعامل و اجتماع‌پذیری ریشه‌یابی شوند. در این اقدامات از خشونت جنسی با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های مردان و پسران بر اساس روابط جنسیتی جلوگیری می‌شود.

در کمپین وایت ریون<sup>4</sup> نیز به پیشگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز از طریق رسانه اجتماعی تأکید شده است. در این کمپین از اطلاعات و ابزار با مدل‌های موجود و نقش مثبت آنها استفاده شده و آموزش مردان و پسران با رضایت کامل و در نظر گرفتن حواشی و محدودیت‌های اصلی بین جنسیت‌ها و ارزش مسأله و احترام به روابط انجام می‌شود.

<sup>1</sup> Fine, Ellen S. (1982).

<sup>2</sup> SlutWalk: یک جنبش فراملی است که خواستار پایان دادن به فرهنگ تجاوز، از جمله سرزنش قربانیان و شرمساری قربانیان حمله‌ی جنسی است.

<sup>3</sup> Bell, Sarah (June 11, 2011).

<sup>4</sup> White Ribbon

در هر پروژه‌ای باید از خشونت بر علیه زنان و دختران باکره جلوگیری شده و روابط سالم بین فردی را تقویت بخشید. دولت مونتوبا نیز در کمپین به تقویت عوامل ضد خشونت‌آمیز در آژانس‌های مختلف اجتماعی از سال 2013 پرداخته است. بررسی ویژگی مردان در کمپین چالش‌برانگیز بوده و مردان باید به مقابله با خشونت بر علیه زنان و دختران باکره پرداخته و زمان بیشتری را صرف تغییر هنجارهای سنتی و فرهنگی و احترام به حقوق زنان و دختران بگذارند.

توقف خشونت در کمپین‌ها با شیوه بازاریابی رفتاری از سال 2010 و با مشارکت بخش اجتماعی ادمونتون<sup>1</sup> با عنوان سیو<sup>2</sup> (ضرب و جرح جنسی در ادمونتون) گسترش یافته است. الگوی سیو در بین شهرهای مختلف کانادا به طور مناسبی توسعه یافته است. در هر کمپین از پوسترهای گرافیکی مفهومی و ارسال پیام‌های بصری به مردان برای توقف ضرب و جرح جنسی استفاده شده است. شاهدان عینی و واقعی نیز از سال 2011 در انجمن شیرهای بریتیش کلمبیا<sup>3</sup> و نیز انجمن پایان دادن به خشونت<sup>4</sup> مشارکت نموده‌اند. در کمپین‌ها، دولت مونتوبا با استفاده از بمب‌افکن‌های آبی وینپگ<sup>5</sup> اقدام به برقراری سکوت و خشونت بر علیه زنان در سال 2012 نموده است. هدف اولیه و عمومی از این شرایط مهم بوده و جوانان باید از ابزار زبانی برای ایجاد ارتباط با شیوه‌های خشونت جنسی بر علیه زنان بهره بگیرند. مردان ورزشکار دارای نقش ویژه و سطح بالایی در مرکز کمپین بوده و این موضوع باید توسط مردان نظامی روی زنان بررسی شود. این روش برای بررسی اهداف بین جمعیت مؤثر بوده و ادراک و استنباط نادرست بر علیه زنان از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

اخیراً در کمپین‌های آموزش خشونت جنسی به نقش شاهدان واقعی و عینی تأکید شده و قربانیان خشونت جنسی مشخص شده و باید از پتانسیل بالقوه مداخله در مراحل قبل، حین و بعد از عملکرد خشونت جنسی استفاده گردد. هدف کلی از این اقدامات نیز شامل تغییر هنجارهای اجتماعی با آموزش و تشویق افراد در جهت تشخیص ریسک در شرایط و موقعیت‌های موجود روی مفاهیم اجتماعی، چالش‌برانگیز بودن نگرش‌ها و رفتارهای جنسیتی و مداخله برای پشتیبانی از زنان در برابر ریسک یا خطر تجربه خشونت جنسی می‌باشد.

ارزیابی تعدادی از برنامه‌ها توسط شاهدان واقعی و عینی نشان می‌دهد که با افزایش آگاهی و تغییر نگرش‌ها در مورد خشونت جنسی می‌توان به موفقیت دست یافته و در نتیجه راندمان و عملکرد شاهدان واقعی بالا می‌رود. این برنامه‌ها با مفاهیم و موضوعات متعددی گسترش یافته که می‌توان به کمپ‌های برگزار شده در کالج و دانشگاه اشاره کرد. هر برنامه برای آموزش دانشجویان و شاهدان واقعی در دانشگاه نیوهمپشایر<sup>6</sup> از سال 2010 گسترش یافته و در سال 2011 نیز اقداماتی در دانشگاه ویندزور<sup>7</sup> در اونتاریو انجام شده است. در این برنامه می‌توان دانشجویان را به هنجارهای اجتماعی در جهت بهبود موانع در خشونت جنسی تشویق کرده و موضوعاتی در مورد چگونگی تشخیص و مداخله مؤثر در شرایط و موقعیت‌های موجود تدریس شده که برخی از شرایط می‌توانند منجر به خشونت جنسی شوند.

<sup>1</sup> Edmonton

<sup>2</sup> SAVE

<sup>3</sup> BC Lions

<sup>4</sup> Ending Violence Association of British Columbia (EVA BC)

<sup>5</sup> Winnipeg Blue Bombers

<sup>6</sup> New Hampshire

<sup>7</sup> Windsor



یکی دیگر از اقدامات صورت گرفته شامل بررسی محدودیت‌های اصلی در کمپین است. تعامل و ارتباط متقابل با شیوه‌های دوزبانی و چندرسانه‌ای در کمپین‌ها در مرکز مقابله با خشونت جنسی در اونتاریو و ائتلاف گروه‌ها در مراکز فساد در سال 2012 مد نظر بوده است. در هر کمپین از رسانه اجتماعی به منظور تشویق افراد و فرضیه‌سازی شرایط و موقعیت‌های خشونت جنسی بر علیه زنان و دختران استفاده شده و اطلاعاتی در مورد چگونگی مداخله امنیتی و مؤثر انجام شده است. در مرکز اونتاریو نیز می‌توان خشونت‌های جنسی را بر اساس اتهام و رسوایی مورد نقد و تحلیل قرار داد.

### 3-5- ابزار ملی و نهادها و مؤسسات مستقل:

کمیسیون سلطنتی قانون اساسی در گزارش 1970 در مورد زنان در کانادا به بررسی ابزار ملی در سطوح چندگانه برای رشد و پیشرفت زنان در سطح فدرال پرداخته و وزارت دولت فدرال از سال 1971 اقدام به اجرای قانون کرده است.

در سال 2015 یکی از زنان به عنوان وزیر و به منظور بررسی شرایط و موقعیت‌های زنان منصوب شده است. وزیر در کابینه و جلسات و تصمیم‌گیری دولت حضور دارد.

در سال 2018 اداره هماهنگ‌کننده قانون و موقعیت زنان، دپارتمان تساوی و برابری جنسیتی را تأسیس نموده است. در قوانین دپارتمان به بررسی کیفیت برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و موضوعات جنسی و هویت جنسیتی پرداخته شده است. دپارتمان مسئول رسیدگی و بهبود روابط و فاکتورهای جنسیتی و نژادی، سن و موقعیت اجتماعی- اقتصادی، مکان سکونت و معلولیت و ناتوانی می‌باشد. دولت‌های ایالتی و قلمرو سرزمینی زیر نظر وزراء به بررسی موقعیت زنان در ادارات و به منظور ارائه خدمات عمومی پرداخته و شوراهای مشاوره در چهارچوب قانون فدرال، ایالتی و سرزمینی می‌توانند مسئولیت رسیدگی به حقوق و قوانین زنان را به طور سالانه بر عهده بگیرند.

در گزارش ویژه آژانس دولت فدرال برای موقعیت زنان و موضوعات حقوقی آنها باید از ظرفیت کامل دپارتمان بهره گرفت. مراحل مهمی برای هماهنگی قوانین و خط مشی‌ها و پذیرش استانداردهای قانونی کشور در سطح بین‌المللی وجود دارد.

کمیسیون حقوق بشر کانادا<sup>1</sup> نیز بر اساس ارتباط در مؤسسات و نهادهای مستقل در سال 1977 باعث افزایش آگاهی در موضوعات و روند اجرای صیانت از قانون بر اساس شیوه‌های مختلف تبعیض نژادی شده است. اعمال نفوذ در آیین‌نامه و قانون حقوق بشر کانادا بر اساس شکایت‌های تبعیض نژادی و جنسیتی در محیط کار و ارائه خدمات در حوزه قضایی دولت فدرال صورت گرفته است.

در رفرم و اصلاح قانونی نیاز به هماهنگی در روند اجرایی برای استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر داشته و در هر گزارش باید از مکانیسم‌های ملی بهره گرفت. وزرای فدرال، ایالتی و سرزمینی در مدت 30 سال در زمینه حقوق بشر به بحث و بررسی و اولویت‌بندی موضوعات بر اساس تعهدات حقوق بشر کانادا در سطح بین‌المللی پرداخته‌اند. این جلسات باید به صورت سیستماتیک مورد نظارت قرار گرفته و استانداردهای کنوانسیون رفع انواع اشکال تبعیض علیه زنان<sup>2</sup> باعث حذف خشونت بر علیه زنان می‌شوند.

<sup>1</sup> CHRC

<sup>2</sup> CEDAW

### 3-6- پناهگاه‌های مناسب و خانه‌های موقتی

تقریباً از هر ده زن در کانادا یک نفر از پناهگاه استفاده می‌کند. در یک دوره 12 ماهه از 12 آوریل 2005، حدود 100000 زن و کودک از پناهگاه‌های زنان استفاده کردند. پناهگاه‌ها نقش مهمی در ایمن نگه داشتن زنان از خشونت دارند اما 550 پناهگاه در کانادا برای زنانی که از خشونت فرار می‌کنند تکمیل و بسیاری از آنها لیست انتظار دارند.

بررسی انجمن مسیحیان زنان جوان جهان<sup>1</sup> نشان می‌دهد که زنانی که از پناهگاه‌ها به علت محدودیت جدا می‌شوند، بعلاوه، زنانی که در حال حاضر در پناهگاه اقامت دارند مسکنی جهت انتقال پیدا نمی‌کنند زیرا درآمد آنها بسیار پایین است و اجاره خیلی زیاد است. انجمن آنتاریو ائتلاف استانی سرپناه‌های استانی کوتاه مدت برای زنان بی‌خانمان و بچه‌هایشان است.<sup>2</sup> شیوه مؤثر در پناه دادن به زنانی که در معرض خشونت قرار گرفته و بدینوسیله خلاص می‌شوند.<sup>3</sup>

گزارش‌ها نشان می‌دهد که کاهش چشمگیر بودجه و کاهش کمک‌های اجتماعی و یارانه مسکن از سال 1995 منجر به کمبود شدید منابع جهت بیرون راندن زنان و کودکان بی‌خانمان از خطر شده است. کمبود خوابگاه‌های موقتی برای زنانی که از خشونت فرار می‌کنند در مناطق روستایی و شمالی آمریکا شدید است.<sup>4</sup>

### 3-7- کاهش بودجه و کاهش ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد برای بررسی خشونت

تأمین بودجه در جهت حمایت از مراکز بحران و پناهگاه‌ها ناکافی است. به دلیل تغییر وضعیت بودجه زنان در کانادا، تعدادی از سازمان‌های متمرکز بر خشونت علیه زنان مجبور شده‌اند که حمایت و تعامل با دولت‌ها را کاهش دهند. انجمن تعرضات جنسی کانادا تنها ائتلاف تمام کانادایی مراکز تجاوز جنسی به هیچ وجه بودجه فدرال دریافت نمی‌کند. علاوه بر محدود بودن توانایی سازمان‌های غیردولتی، کاهش بودجه باعث عملی نشدن ثبت و پیگیری آمار مربوط به خشونت علیه زنان شده است و شرایطی به وجود آمده است که دولت کانادا تنها منبع جامع آمار مربوط به خشونت علیه زنان در کانادا است.<sup>5</sup>

آمارهای دولت کانادا به اندازه کافی خشونت علیه زنان را رصد نمی‌کنند یا رویدادهای خشونت بر اساس نژاد، ناتوانی و سطح درآمد را تفکیک نمی‌کنند. در بیشتر موارد خشونت علیه زنان، تصمیمات دادستانی برای نظارت عمومی در دسترس نیست. در سیستم دادگاه، موارد ثبت نشده‌اند یا سابقه‌ای از تصمیم‌گیری قضایی وجود ندارد. اداره آمار آمریکا علیرغم تحسینی که به دلیل بررسی خشونت علیه زنان در سال 1993 کسب کرد از مطالعات مبتنی بر اصول حقوق برابری فاصله گرفته است و در حال حاضر تحت تأثیر قدرت‌های سیاسی است که هدفشان کاهش میزان آسیب مردان به زنان هستند.<sup>6</sup>

گرچه حذف خشونت علیه زنان یکی از اولویت‌های سیاست کانادا در برنامه توسعه بین‌المللی خود با سایر کشورها است، اما در کانادا یک اولویت نبوده است. مقداری بودجه اختصاص داده می‌شود اما

<sup>1</sup> YWCa

<sup>2</sup> Nguyen تغییر واقعی لازم در پناهگاه‌های زنان در کانادا، مارس 2008،

[www.uppingtheanti.org](http://www.uppingtheanti.org) [http://www.ywcatoronto.org/assets/pdf/media/media\\_releases/2007/0\\_1004\\_mr\\_violence\\_against\\_women.pdf](http://www.ywcatoronto.org/assets/pdf/media/media_releases/2007/0_1004_mr_violence_against_women.pdf)

<sup>3</sup> [http://www.ywca.ca/public\\_eng/advocacy/Shelter/YWCa\\_Shelterreport\\_en.pdf](http://www.ywca.ca/public_eng/advocacy/Shelter/YWCa_Shelterreport_en.pdf) (date accessed: 16 July 2008).

<sup>4</sup> شرایط این مناطق با جزییات بیشتر در مقاله XIV تشریح شده است.

<sup>5</sup> پایان خشونت علیه زنان: تقاضای بودجه برای سازمان‌های زنان آنلاین: <http://www.stepitupontario.ca/10>

<sup>6</sup> انجمن کانادایی مراکز تجاوز جنسی، قطعنامه‌های پیشنهادی، 2005، آنلاین:

<http://www.casac.ca/english/proposed.funding.htm>

پشتوانه‌ها اندک هستند. مشکلات متعددی در سیستم عدالت وجود دارد که حل نشده‌اند. شرایط اقتصادی و اجتماعی که زنان را در برابر خشونت زنان آسیب‌پذیر می‌کند مورد توجه قرار نگرفته‌اند.<sup>1</sup>

### جمع بندی:

در ایران تعامل کمی بین شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی و فرایند فعالیت نظام وجود دارد. به منظور گسترش نهادهای مدنی، بسترسازی فرهنگی و اجتماعی ضروری است. قانون جامع و کاملی در خصوص فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و نظارت بر آن‌ها تصویب نشده است. با توجه به جدید بودن روند مشارکت سمن‌ها در فرآیند کیفری، لازم است که بر فعالیت این سازمان‌ها نظارتی مستمر و کارآمد وجود داشته باشد. مقایسه قوانین برای لایحه امنیت زنان در دو کشور در قوانین کیفری ایران و کانادا، به استنباط و بررسی نقش قانونی خشونت بر علیه زنان کمک کرده و نیاز به آموزش شیوه‌های قضایی و کیفری برای اجرای این خط مشی در سطح کافی داشته و داده‌های تحقیقاتی در سطح ملی برای سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی حائز اهمیت بوده و باید به نقد و تحلیل اقدامات و واکنش‌های اولیه در زمینه حذف نابرابری جنسیتی به صورت سیستماتیک پرداخت.

در حقوق کیفری و قضایی ایران مکانیسم‌های اجرای قانون نیاز به اعمال نفوذ روی زنان دارد. در قانون اساسی نیز باید شیوه‌های جدید را در بخشی از الگوهای اجرایی تصویب کرده و بازبینی روی عملکرد گروهی از زنان با ابزار تصمیم‌گیری نیاز به اصلاح و رفرم بیشتر قانون دارد. برخی از الگوها و شیوه‌های راهبردی توسط پلیس، دادگاه، قضات و دست‌اندرکاران بخش حقوقی قابل دسترسی ارائه می‌گردد و مطابق آیین دادرسی کیفری زنان از طریق وکلاء اقدام به پیگرد قانونی نموده و می‌توان با انتخاب و اجرای قانون در راه حمایت از زنان پیش رفت.

کانادا نیز از کرامت انسانی در مناطقی از جهان که فقیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد دسترسی کمی به خدمات دارند و برخی افراد با تأثیر مخرب مناقشات یا حوادث طبیعی روبه‌رو هستند حمایت می‌کند و طرح‌های توسعه و کمک‌های بشردوستانه خدمات درمانی از جمله مراقبت‌های جنسی، تولید مثل و همچنین آموزش با کیفیت را فراهم می‌سازند.

### منابع فارسی:

1. امیریان فارسیانی، امین؛ سیمین، آزادیان، حمایت‌های کیفری از زنان در برابر خشونت، فصلنامه‌ی مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال سوم، شماره 10، تهران، 1396.
2. جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران، 1390.
3. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات شهر دانش، تهران، 1393.
4. داده‌های آماری کشور کانادا سال 2011
5. دپارتمان قضایی و دادگستری کانادا، 2004

<sup>1</sup> DeKeseredy, W.S., dragiewicz, M. (Eds.) (2nd edition) (2018). The Routledge handbook of critical criminology. London: Routledge.

6. شاهیده، فرهاد؛ رویکرد بزه‌دیده شناسی قانونی نسبت به بزه‌دیدگی جنسی زنان (با نگاهی به قوانین کیفری و رویه قضایی)، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره دوم، شماره پیاپی 18، پاییز و زمستان 1397.
7. شیر، عباس؛ حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه‌ی اجرای آن، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره‌ی 81، بهار 1397.
8. کانت، امانوئل؛ فلسفه حقوق، ترجمه دکتر منوچهر صانعی درّه بیدی، چاپ اول، (1380)، تهران: انتشارات نقش و نگار.
9. مسئولیت وزرای ایالتی دولت فدرال در زمینه عدالت و دادگستری، 2003.
10. نجفی ابرآبادی، علی حسین؛ «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال سوم، شماره 9 و 10، 1382.
11. وروایی، اکبر، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره 28، تابستان 1395.
12. هابز، توماس؛ لویاتان، ترجمه دکتر حسین بشیریه، چاپ چهارم، تهران: نشر نی، 1385.

#### منابع لاتین:

1. Bades, S. (2009), Victims, closure, and the sociology of emotion, *Law & contemporary problems*, 72 (1), 2-3.
2. Bell, Sarah (June 11, 2011). "Slutwalk London: 'Yes means yes and no means no'". BBC News.
3. Busby, K., Koshan, J., & Wieggers, W. (2008). Civil domestic violence legislation in the Prairie Provinces: A comparative legal analysis. In J. Ursel, L.M. Tutty, & J. LeMaistre (Eds.), *What's law got to do with it? The law, specialized courts and domestic violence in Canada* (pp. 197–227). Toronto: Cormorant Books.
4. DeKeseredy, W.S., dragiewicz, M. (Eds.) (2nd edition) (2018). *The Routledge handbook of critical criminology*. London: Routledge.
5. Fattah, E. A. (2005), *the plight of crime victims in Modern Society*, Macmillan Press, Canada. P45
6. Fattah, E. A. (2006). *Understanding criminal victimization*, Macmilan Press, Canada. p75
7. Fine, Ellen S. (1982).
8. George, W.H. and L.J, Martinez. (2002), *Victim Blaming in Rape: Effect of Victims and Prepetrator Race, Type of Rape, and Participant Racism*, *Psychology of Women Quarterly*, 26 (2), 310-314.
9. Habitat for Humanity International
10. Hammer, Rita. Moynihan, Barbara and Pagliano, Elaine (2011), *Forenic Nursing: a Handbook for practice*, Jones and Bartlett Publihers. P3
11. Henning. K. and R. Holdford (2006), *Minimization, Denial, and Victim Blaming by Batterer: How Much Does the Truth Matter?* *Criminal Justice and Behaviour*, 33 (1), 110-130.
12. Holzscheiter, Anna, "Non-Governmental Organizations", *Oxford Bibliographies*, New York/Oxford, Oxford University Press, 2015, available

- at: <http://www.oxfordbibliographies.com/view/document/obo-9780199791231/obo-9780199791231-0044.xml>.
13. <http://web.amnesty.org/actforwomen>
  14. [http://www.coe.int/t/e/ngo/public/groupings/Gender\\_equality/](http://www.coe.int/t/e/ngo/public/groupings/Gender_equality/)
  15. <http://www.wave-network.org>
  16. <http://www.womenlobby.org>
  17. Illingworth, Heidi & Ferrara, Nadia, (2020), United Nations Special Rapporteur on Violence Against Women, Government of Canada Office of the Federal Ombudsman fir Victims of Crime.
  18. Johnson, H., & Dawson, M. (2011). Violence against women in Canada: Research and policy perspectives. Don Mills, ONT: Oxford University Press.
  19. Laurie, C. (2008). Seeking protection for victims of stalking: The domestic violence and stalking act of Manitoba. In J. Ursel, L.M. Tutty, & J. LeMaistre (Eds.), What's Law Got to Do With It? The law, specialized courts and domestic violence in Canada (pp. 228–253). Toronto: Cormorant Books
  20. Leach, Brittany (2013). "Slutwalk and Sovereignty: ) Transnational Protest as Emergent Global Democracy". *APSA 2013 Annual Meeting Paper. SSRN 2300699*
  21. Lynch, Virginia A. (1995), Clinical Forensic Nusring, Critical Care Nurthing Clinics of North America, 7.3, P500.
  22. Miller, K (2014), Relational Caring: The use of the Victim Impact Statement by Sexually Assulted Women, Violence and Victim, Volume 29, NO 5, P797.
  23. Myers, Bryan & Greene (2004), Edith, The Prejudicial Nature of Victim Impact Statement, Public Policy and Law, Vol 10, 495-511.
  24. NGOs in Canada, Human Rights Carreers, (2021), Available at: <https://www.humanrightscareers.com/magazine/ngos-in-canada/?nowprocket=1>
  25. Oxford Dictionary, 6 ed, Oxford University Press, United states, 2000, p.1016.
  26. Petherick, Wayne A, Turvey, Brent E (2009), Forensic Victimology, Academic Press of Elsevier. P91
  27. ROLE OF NGOs IN PREVENTION OF DOMESTIC VIOLENCE, P. 277-295
  28. Schuster, M.L., & Propen, A (2006), Watch victim impact statement study, Minneapolis. P665.
  29. Shahram Akbarzadeh, Rebecca Barlow & Sanaz Nasirpour, (2021), Registered NGOs and advocacy for women in Iran, Third World Quarterly, Published by Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group. P. 1478.
  30. Sheehy, E.A. (2002). Legal responses to violence against women in Canada. In K.M.J. McKenna & J. Larkin (Eds.), Violence against women: New Canadian perspectives (pp. 473–491). Toronto: Inanna Publications & Education.
  31. The right of victims to an adequate response to their needs, <https://www.unodc.org/e4j/en/crime-prevention-criminal->

justice/module-11/key-issues/3--the-right-of-victims-to-an-adequate-response-to-their-needs.html.

Turvey, B (2008), Criminal Profiling, San Diego: Elsevier Science. P55

32. Ursel, J., Tutty, L.M., & LeMaistre, J. (Eds.). (2008). What's Law Got to Do With It? The law, specialized courts and domestic violence in Canada. Toronto: Cormorant Books.
33. Women's Inequality in Canada: Available at: [http://www.ywca.ca/public\\_eng/advocacy/Shelter/YWCa\\_Shelterreport\\_en.pdf](http://www.ywca.ca/public_eng/advocacy/Shelter/YWCa_Shelterreport_en.pdf) (date accessed: 16 July 2008).